

مدرسه‌ای برای کودکان: مطالعه پدیدارشناسانه

امیرعابدی قادی^۱، کیوان صاگی^{۲*}

چکیده

در سال‌های اخیر، ضرورت مشارکت‌دهی ذینفعان در طراحی محیط مدارس به- عنوان قلب تپنده و بالنده جامعه، مورد تأکید فراوان قرار گرفته است در این پژوهش پدیدارشناسی توصیفی، کوشیده‌ایم با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از نوع طبقه‌ای، ادراک دانش‌آموزان پایه‌های سوم تا ششم چهار مدرسه مورد واکاوی عمیق قرار دهیم و ویژگی‌های مدارس مورد نظر دانش‌آموزان را شناسایی و طبقه‌بندی کنیم. بدین‌منظور انشایی به دانش‌آموزان تخصیص یافت و از آنها خواسته شد تا جمله ناتمام «دوست دارم در مدرسه‌ای درس بخوانم که...» را تکمیل کنند. داده‌ها با استفاده از راهبرد گلازی تحلیل شد و پس از بررسی ۹۰ انشا از ۱۶۴ انشا، اشباع نظری داده‌ها صورت پذیرفت. به‌منظور افزایش اتکاپذیری، تأییدپذیری، باورپذیری صحت داده‌ها، از شیوه‌های «بازرسی و بازبینی در زمان کدگذاری»، «بهره‌گیری از نظرات همکاران پژوهشی و تأیید آنها»، «تبیین جزئیات دقیق فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها»، «درگیری طولانی مدت»، «سه‌سوسازی و تحلیل موارد منفی استفاده شد. یافته‌ها به شناسایی و بازنمایی مضامین و زیرمضامین در قالب شش عامل اصلی شامل عوامل مربوط به ملزومات و فضای فیزیکی، عوامل مربوط به تجهیزات، عوامل مربوط به جنسیت، عوامل مربوط به خصوصیات اخلاقی، عوامل مربوط به روش‌های تدریس و عوامل مربوط به وسایل و پوشش دانش‌آموزان منجر گردید. در نهایت یافته‌ها حاکی از آن بود که اکثریت دانش‌آموزان از وضع موجود مدارس ناراضی بودند و مدارس برای آنها محیط خوشایندی نبود؛ بنابراین توجه به عوامل شناسایی‌شده در پژوهش می‌تواند در دلپذیر شدن فضای مدرسه و ایجاد زمینه بهبود کیفیت تجارب دانش‌آموزان و یادگیری آنها مؤثر باشد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

نوع مقاله: پژوهشی

واژگان کلیدی

دانش‌آموز، مدرسه مطلوب، کودکان، پدیدارشناسی، ویژگی‌های مدرسه ایدنال

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

امروزه توجه ویژه‌ای به آموزش و پرورش می‌شود، به حدی که سازمان تخصصی یونسکو^۱ وابسته به سازمان ملل متحد برای دستیابی به آموزشی صحیح تشکیل شده است. در این سازمان چندین کشور عضو هستند که ایران هم یکی از این کشورهاست. در جوامع امروز، افراد نقش مهمی دارند و با نگاهی به مراحل تکامل تمدن بشری مشخص می‌شود که نقش نیروی انسانی از نیروی کار ساده به سرمایه انسانی تکامل یافته است (محمودی، ۱۳۹۷) و نیروی انسانی «پیوسته با محیط خود در معرض تقابل و تأثیر متقابل است» (سعادت‌پناه و قلیزاده، ۱۳۹۴)، جامعه (محیط) با فرد تأثیری دوسویه دارند (جمشیدی و ملک، ۱۳۹۵) و تحت تأثیر شرایط جغرافیایی، اقلیمی و عوامل دیگر هستند (شاطریان، ۱۳۹۴) طراحی و نگرش محیط‌های یادگیری همواره چالشی بوده است که در بعد زمان، مکان و سن افراد معمار را به چالش کشانده است (بیات و ارجمند، ۱۳۹۴).

اگر به این مکان‌های آموزشی، تفریحی و فرهنگی بنگریم می‌توان گفت اجتماع کوچکی هستند که از قابلیت توسعه برخوردارند (بیات و ارجمند، ۱۳۹۴). بنابراین، انگیزش و خلاقیت در استفاده بهینه و فعالیت هوشمندانه در این فضاها، نقش مهمی دارد. به گونه‌ای که می‌توان «با به کارگیری عناصر طبیعی، ایجاد فضای ایمن، فضای پیچیده و فضای انعطاف‌پذیر از طریق تأثیر مثبت بر انگیزش کودک برای بازی، آرامش روانی، ابتکار و کنجکاو، خلاقیت او را ارتقا بخشید» (دهقان‌سانج و ریحانی‌آرانی، ۱۳۹۶).

کودک بدون آنکه معلمی داشته باشد، راه رفتن را از طبیعت می‌آموزد (عزیزخانی و حسینی، ۱۳۹۷). در مسیر شکوفایی استعدادها، محیط می‌تواند زمینه‌ساز رشد انگیزش، خلاقیت و توانایی‌های شناختی شود (سعادت‌پناه و قلیزاده، ۱۳۹۴). خلاقیت از طریق تمامی عناصر فرایندهای آموزشی مانند معلمان، کلاس‌های درس و محیط‌های مدرسه پرورش می‌یابد (یوکاس^۲ و آکار^۳، ۲۰۱۹). فضای آموزشی نیز تأثیر به‌سزایی بر خلاقیت کودک می‌گذارد (دهقان‌سانج و ریحانی‌آرانی، ۱۳۹۶).

مدارس قلب جامعه‌اند و دانش‌آموزان در آن روابط اجتماعی، قانون‌مندی، پویایی و آینده‌نگری را فرا می‌گیرند (ذاکری، ۱۳۹۴) پس از خانواده، مدرسه به عنوان نهاد تربیتی، نقش ویژه‌ای در تربیت و پرورش کودکان دارد (دروار، قادری و حمیدی، ۱۳۹۴) و مانند دیگر بناها، از عوامل مختلفی نظیر عوامل جغرافیایی، اقلیمی، مصالح، فناوری، عملکرد و عناصر ویژه تأثیر می‌پذیرند (شاطریان، ۱۳۹۴).

1. UNESCO
2. Ucus
3. Acar

شواهد گسترده‌ای نشان می‌دهد که در برخی مواقع، از تأثیرگذاری آراستگی محیطی یک مدرسه به‌عنوان راهبردی برای بهبود کیفیت فضای تحصیلی، غفلت می‌شود. با توجه به اینکه بچه‌ها زمانی طولانی از عمر خود را در فضاهای آموزشی سپری می‌کنند (جمشیدی و ملک، ۱۳۹۵)، باید شرایطی را فراهم نمود که برای حضور در آن از انگیزه‌دوچندانی برخوردار شوند. به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده است که این عوامل تأثیرگذار (انگیزه، نگرش و اضطراب) مشوق‌های درونی را تحریک می‌کنند و نیروی قاطع و غالب در یادگیری هستند (شو، ۲۰۱۷) به همین دلیل محققان و معماران به دنبال راه‌هایی برای مشارکت کودکان در طراحی محیط آموزشی هستند (احسانی، پژوهان‌فر و ابراهیمی، ۱۳۹۵).

طراحی فضای آموزشی باید به‌گونه‌ای باشد که «بتواند در طول زمان به شرایط و نیازهای متفاوت پاسخ دهد و فضای داخلی قابلیت تطبیق با رفتارهای جدید را داشته باشد» (علیزاده میان‌دوآب، ۱۳۹۶) و در طول زمان پاسخگویی نیازهای متغیر کاربران باشد (جعفری، ۱۳۹۶) الگوی منعطف می‌تواند با حداقل فضا از طریق تغییر و تطبیق و متنوع عملکردها، تمامی نیازهای کودکان را تأمین نماید (آبکاراصفهانی و غیایی، ۱۳۹۷). محیط آموزشی به‌ویژه در دوره کودکی و نوجوانی تأثیرات بسزایی بر یادگیری کودکان دارد (علیزاده میان‌دوآب، ۱۳۹۶). یافته‌ها نشان می‌دهد که معلمان "مدرسه خلاق" را به‌عنوان فضایی برای مشارکت فعال معرفی می‌کنند (یوکاس و آکار، ۲۰۱۹). در مجامع جهانی، برخورداری از فضاهای آموزشی مناسب حق کودکان دانسته شده و بیشتر کشورهای جهان از جمله کشور خودمان ایران به این امر متعهد هستند (سعیدی، ثمین شریفی و بابایی، ۱۳۹۷). فضای آموزشی دوره طولانی از عمر افراد در خود جا می‌دهد (جمشیدی و ملک، ۱۳۹۵) دانش‌آموز بیشتر اوقات زنده و فعال خود را در مدرسه می‌گذراند (دروار، قادری و حمیدی، ۱۳۹۴) و هر فرد حدود ۱۴۰۰۰ ساعت طول زندگی خود را (خالویی و خزاعی، ۱۳۹۵) یا به بیانی دیگر، حدود یک پنجم از عمر خود را (سعیدی، ثمین شریفی و بابایی، ۱۳۹۷) در محیط‌های آموزشی می‌گذراند. بنابراین طراحی محیط‌های یادگیری همواره چالشی بوده که در بعد زمان، مکان و سن مورد توجه معماران و مریبان آگاه و خلاق قرار داشته است (بیات و ارجمند، ۱۳۹۴). «محیط فیزیکی به سبب ساختار خود می‌تواند تعاملات و در پی آن فرایند یادگیری را تقویت و یا تضعیف نماید» (خان‌محمدی و یاری، ۱۳۹۴) قبل از اینکه فرد وارد محیط شود به بدنه‌های معماری شده آن نگاه نموده و از طریق دیدن، جذب کالبد مورد نظر می‌شود (بیات و ارجمند، ۱۳۹۴)، که این موضوع نیز به اهمیت نما، رنگ و طراحی فضای فیزیکی اشاره دارد. از سوی دیگر «در چند دهه اخیر به‌جای تأکید و تمرکز بر آراستگی قالب و پوسته خارجی محیط آموزشی، به ارتقای کیفیت فضا و طراحی داخلی آن پرداخته شده است» (شریف خواجه‌پاشا، مجرد و

ثمین شریفی، ۱۳۹۵). همین تأکیدها بر طراحی و معماری فضای آموزشی، به بازناندیشی بر اهمیت طراحی مشارکتی انجامیده است (اشرفی، ۱۳۹۴). سازمان بهداشت جهانی نیز تصدیق می‌کند که مشارکت معنادار فرد در یک مجموعه او را توانمندتر می‌سازد (سیمپسون^۱، آدامز^۲، براک^۳ و کین^۴، ۲۰۱۹).

اگرچه در مورد اهمیت و ضرورت مشارکت دانش‌آموزان (کاربران) در طراحی محیط مورد استفاده، پژوهش‌هایی انجام شده است، اما این مطالعات از یکسو با تأکید بر معماری و شهرسازی و توسط کارشناسان مربوط به این رشته‌ها، صرفاً به بیان ضرورت‌ها و اهمیت مشارکت‌دهی کاربران محدود بوده و در نشریات و همایش‌های مرتبط منتشر شده‌اند. به‌رغم اهمیت فضای آموزشی و مشارکت‌دهی دانش‌آموزان و دیگر عناصر انسانی در مدرسه، اما نتیجه بررسی‌های محققان نشان داد که تاکنون مطالعه‌ای با محوریت معناکاوی ادراک و تجربه زیسته دانش‌آموزان در مورد مدرسه‌ای ایدئال و خواسته‌های آنها و بازنمایی درون‌مایه‌های اثرگذار بر ترجیحات دانش‌آموزی انجام نشده است. نبودن مطالعه کافی در این بخش، انگیزه‌ای شد تا به پژوهشی با هدف شناخت انتظارات دانش‌آموزان از مدرسه ایدئال آنها روی آوریم و ضمن شناسایی و بازنمایی موارد برجسته، زمینه‌ای را فراهم آوریم تا طراحان و مسئولان آموزشی که به هر علتی نمی‌توانند از نظرات دانش‌آموزان آگاه شوند، بتوانند با مراجعه به یافته‌های این پژوهش، از خواسته‌های دانش‌آموزان مطلع شده و به تناسب امکانات و شرایط موجود، فضایی متناسب با علایق و خواسته‌های آنها طراحی کنند. تحقق این موضوع می‌تواند بستری را فراهم کند تا دانش‌آموزان به جای لحظه‌شماری برای شنیدن صدای زنگ آخر مدرسه، با انگیزه بیشتر به تحصیل پرداخته و مدرسه را به‌عنوان خانه دوم خود بپذیرند. از این رو، سؤال اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که ملاک‌های مدرسه ایدئال از منظر دانش‌آموزان چیست؟

تحلیل عوامل مرتبط با رشد و توسعه جوامع پیشرفته، بیانگر آن است که همه این کشورها، از آموزش و پرورش [مدارس] کارآمد و اثربخش برخوردار بوده‌اند (افروز، نامور و ستاری، ۱۳۹۷). راهبرد توجه به اثربخشی مستمر مدارس، امروزه به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است (الگارت^۵، ۲۰۱۷؛ سیرل و جیاسکاران^۶، ۲۰۱۶، به نقل از پیرحیاتی و همکاران، ۱۳۹۸). فقدان محیط و حمایت مثبت (بانرجی^۷، ۲۰۱۶) می‌تواند به افت تحصیلی منجر گردد که به نوعی به لزوم توجه به محیط مدارس اشاره دارد؛ اگر چه در پژوهش‌های مختلف، عوامل متعددی به‌عنوان عوامل

1. Simpson
2. Adams
3. Bruck
4. keen
5. Elegart
6. Cyril & Jeyasekaran
7. Banerjee

مؤثر در مدارس اثربخش برشمرده شده است، اما «تعریف اثربخشی طی دوره‌های مختلف پیوسته در حال تغییر بوده است و متأثر از دیدگاه‌های گوناگون نسبت به مدرسه و بازتاب دهنده تحولات اجتماعی بوده است» (هوی و میسکل^۱، ۲۰۱۳ به نقل از پیرحیاتی و همکاران، ۱۳۹۸).

کودکان در دوره سنی ۸ تا ۱۲ سال، تجارب جدیدی از حضور و کشف محیط پیرامون دارند که می‌توانند در همراهی با گروه طراح نتایج جدید و کارآمدی را برای طرح پیشنهادی به ارمغان بیاورند (حبیبی، عزتیان و محقق نسب، ۱۳۹۶). یکی از عوامل تأثیرگذار بر بهبود سرمایه اجتماعی، مدرسه است. مدرسه با تمامی جنبه‌های خود بر سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. یکی از این ارکان و در واقع مهم‌ترین آنها معلم است (هانسلمن، گریچ، براچ و گاموران^۲، ۲۰۱۶، به نقل از احمدیگی، ۱۳۹۸). یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی جو مدرسه، کیفیت میان اعضای آن است. در یک جو یا فضای مثبت مدرسه‌ای، پیوندهای سازنده‌ای میان دانش‌آموزان، معلمان، مدیران، کارکنان و والدین به وجود می‌آید (سلاک^۳، ۲۰۱۷). بنابراین نمی‌توان مدرسه را فقط در محیط فیزیکی خلاصه کرد و باید نظر دانش‌آموزان در مورد دیگر عوامل موجود در مدرسه از جوانب مختلف بررسی شود.

به گفته ولیجاروی و سهلبرگ^۴ (۲۰۰۸)، برتری تحصیلی پشت نمودار آماری پیشرفت دانش‌آموزان مخفی می‌شود؛ لازم است که کودکان از یادگیری در مدرسه لذت ببرند. این یک نکته مهم برای تمرین و یادگیری است و نگرانی فزاینده‌ای در مورد کودکانی که از مدرسه لذت نمی‌برند وجود دارد (اسپنسر، لوکاس و کلاکسون^۵، ۲۰۱۲، به نقل از آلناجداوی^۶، ۲۰۱۹). شایر^۷ (۲۰۰۱) الگوی مشارکت پنج سطحی برای کودکان در مدارس را پیشنهاد می‌کند: (۱) به کودکان گوش داده می‌شود. (۲) از کودکان در بیان نظراتشان حمایت می‌شود. (۳) دیدگاه کودکان در نظر گرفته می‌شود. (۴) کودکان در فرایندهای تصمیم‌گیری نقش دارند. (۵) کودکان قدرت و مسئولیت تصمیم‌گیری را به اشتراک می‌گذارند (کاتانو، فریر و ماچانو^۸، ۲۰۲۰).

مطابق با نظریه ویگوتسکی^۹، کودک ادراک خود را از طریق تعامل اجتماعی و با دیدن خود در حالی که دیگران او را می‌بینند، توسعه می‌دهد. در حالی که بازخورد منفی، عدم موفقیت و واکنش‌های قضاوتی باعث افزایش سطح اضطراب می‌شود. کودکانی که احساس ارزش و موفقیت

-
1. Hoy & Miskel
 2. Hanselman, Grigg, Bruch & Gamorn
 3. Sulak
 4. Valijarvi & Sahlberg
 5. Spencer, Lucas & Claxton
 6. Alnajdawi
 7. Shier
 8. Caetano, Freire & Machado
 9. Vygotsky

می‌کنند و انگیزه مثبت دارند، سطح اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند. کودکانی که به یک آموزش پیش دبستانی با کیفیت دسترسی دارند، خود را در یک محیط اجتماعی و جسمی مثبت می‌بینند، احساس می‌کنند درک شده و از حمایت برخوردار شده‌اند؛ این موضوع زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا با محیط‌های اجتماعی خود سازگار شده و از زندگی مثبتی نیز برخوردار شوند (ارکان، تارمن، سنلی، کسن و امروزان^۱ ۲۰۱۸).

تا پاپا^۲ (۲۰۱۳) و همکارانش با تکیه بر نظریه سیستم‌های زیست محیطی، بر ضرورت ارزیابی چندبعدی تأثیرات مدرسه تأکید می‌ورزند. در این راستا، مطالعات گسترده ویت و نشن^۳ (۲۰۱۶) و ونگ و دگول^۴ (۲۰۱۶) ضرورت توجه به ابعاد مختلفی نظیر (۱) ایمنی، (۲) جامعه، (۳) دانشگاهی و (۴) محیط نهادی را آشکار ساخت. این ابعاد با موارد یادشده در تعریف شورای ملی شرایط مدارس، شامل (۱) نظام مدارس، (۲) روابط در مدرسه، (۳) آموزش و شیوه‌های یادگیری در مدرسه و ساختارهای سازمانی (۴) مطابقت دارد. سه بُعد اول ابعاد اجتماعی است، در حالی که مورد چهارم یک بعد زمینه‌محور عملی است (سمپرمز، ایساک و کلیس^۵، ۲۰۱۸).

بخش مهمی از پژوهشگران و روان‌شناسان بر اهمیت مشارکت کاربران در طراحی شرایط محیطی مورد استفاده آنها، تأکید داشته‌اند (احسانی، پژوهان‌فر و ابراهیمی، ۱۳۹۵). پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده است، به گونه‌ای که ضمن تبیین اهمیت این موضوع، به معماری فضای داخلی، نمای خارجی، رنگ مدرسه، راه‌های ایجاد فضای انعطاف‌پذیر داخلی و موارد مربوط به فضای فیزیکی پرداخته‌اند، اما تقریباً تمام این پژوهش‌ها (به جز تعدادی محدود)، از منظر معماری و شهرسازی به این موضوع نگریسته‌اند و کمتر شاهد انجام پژوهش‌های تخصصی و در حیطه روان‌شناسی و علوم تربیتی پیرامون این موضوع بوده‌ایم. از سوی دیگر، نتیجه بررسی پژوهشگران نشان داد که غالب این پژوهش‌ها بر تبیین اهمیت مشارکت کاربران در طراحی محیط تمرکز داشته‌اند و تعداد بسیار اندکی به واکاوی در ادراک کاربران محیط‌های آموزشی در طراحی محیط یادگیری پرداخته‌اند. این کمبود به‌ویژه در دوره ابتدایی بیشتر احساس می‌شود که احتمالاً سازوکاری به‌روز و مستمر برای معناکوی در ادراک و نظرات کودکان مدارس دوره ابتدایی شکل نگرفته و یا به صورت مستمر و با ضمانت بالا، اجرایی نمی‌شود. هرچند پژوهش‌های محدودی وجود دارد که به بررسی این نظرات پرداخته‌اند و در ادامه به مواردی از آنها اشاره شده است.

حمزه‌نژادی و خزاعی (۱۳۹۷)، در مطالعه خود ضمن اذعان به غلبه پارادایم اثبات‌گرایی و استفاده از روش‌های کمی در مطالعات حوزه کودک بر این باور تأکید می‌نمایند که در این گونه

1. Erkan, Tarman, Sanli, Kosan & Ömrüuzun

2. Thapa

3. Voight & Nation

4. Wang & Degol

5. Sampermans, Isac & Claes

مطالعات، به شرکت‌کنندگان در پژوهش برای بیان خواسته‌هایشان، آزادی کافی داده نشده است. در اغلب موارد تمرکز اصلی بر شرایط فیزیکی و رنگ‌آمیزی در مدرسه استوار بوده است. به گونه‌ای که برای اندازه‌گیری کیفیت فضاهای مورد علاقه دانش‌آموزی، اکثریت بر مواردی مانند ارتقای فضای سبز، مکانی برای گردهمایی، تزیین دیوارهای محوطه، کمد کلاس، داشتن تزیینات و داشتن مکان و وسایل بازی، تمرکز داشته‌اند. درباره رنگ‌آمیزی فضاهای آموزشی هم به‌طور میانگین، رنگ آبی در رنگ‌های اصلی و رنگ صورتی در رنگ‌های ترکیبی بیشترین درصدها را در عموم فضاها به خود اختصاص داده‌اند. مطالعات خالویی و خزاعی (۱۳۹۵)، با عنوان «شناخت ویژگی‌های مدرسه مورد علاقه برای یادگیری دانش‌آموزان دبستانی دختر» حاکی از آن است که دانش‌آموزان خواستار ترکیب طبیعت با مدرسه و استفاده از رنگ‌های گرم و شاد و فضا و وسایل کافی برای بازی بودند و در موارد معدودی نیز برای مدرسه و تزیینات آن به شکل‌های غیر عادی مانند مدرسه‌ای به شکل کیک، پنجره و تزیینات به شکل قلب اشاره کردند. همچنین پژوهش کلمنت^۱ (۲۰۱۹)، نشان داد که همکاری در طراحی فضا عنصر مهمی برای حمایت از مشارکت کودکان خردسال در کلاس‌های سال‌های نخست است و یافته‌ها نیز بر تفاوت‌های چشمگیر در نقش‌ها و روابط بین معلم و دانش‌آموزان هنگام استفاده از آموزش دموکراتیک فضایی، صحنه‌گذار. نتیجه مطالعه لاندکویست، وسلینگ آلودی و سیلجهاگ^۲ (۲۰۱۹)، با عنوان «ارزش‌ها و نیازهای کودکان دارا و فاقد نیازهای آموزشی ویژه در اوایل مدرسه: مطالعه دیدگاه کودکان خردسال درباره آنچه برای آنها مهم است» نشان داد که گوش‌دادن به دیدگاه‌های کودکان، می‌تواند زمینه‌های آموزشی را فراهم کند که نیازهای کودکان را تأمین کرده، به بهزیستی و رشد آنها کمک می‌کند تا تجربیات آنها هم شاد و هم معنادار باشد. این پژوهشگران گزارش کردند که برای برنامه‌ریزان آموزشی، ارزیابان و محققان، درک چگونگی تجربه زندگی کودکان در محیط‌های آموزشی، ضروری است؛ در ادامه ایشان نه‌مورد از موضوعات مهم برای کودکان دارا یا فاقد نیازهای ویژه آموزشی شامل «احساس تعلق با همسالان؛ داشتن فرصت‌هایی برای بازی، فعالیت‌های خلاقانه و تفکر؛ تجارب سرعت، هیجان و چالش‌های جسمی را تجربه کنید. آنها همچنین نیاز داشتند؛ عناصر آرامش، برداشت و آسایش برای تفریح؛ احساس امنیت؛ رشد دانش و درک جهان؛ احساس آزادی و خودمختاری؛ داشتن اشیای راحت و پیوند با خانه و خانواده؛ برقراری ارتباط با طبیعت»، را شناسایی و گزارش کردند.

بررسی‌های پژوهشگران نشان داد که در پیشینه مرتبط با موضوع مورد مطالعه، غلبه بر مطالعات با رویکرد کمی و اسنادی است و به رویکردهای ژرفانگر و میدانی کیفی توجه اندکی شده است.

1. Clement

2. Lundqvist, Westling Allodi & Siljehag

از سوی دیگر، بیشتر بر ابعاد فیزیکی مدارس و مانند اندازه و تناسب با تعداد دانش‌آموزی توجه شده است و به لحاظ روان‌شناختی و معناکاوی در ادراک و تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر و پسر و در پایه‌های مختلف تحصیلی را به‌عنوان اصلی‌ترین ذی‌نفعان این موضوع، توجه اندک و گاه بسیار محدودی شده است. همچنین بررسی‌ها از کم‌توجهی مطالعات انجام شده نسبت به تفاوت‌های جنسیتی و الزامات دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی حکایت دارد. روشن است که دانش‌آموزان دختر و پسر به دلیل ویژگی‌هایشان از یکسو و خواسته‌ها و انتظارات متنوع به تفکیک دوره اول و دوم ابتدایی با توجه به نیازمندی‌های سنی هر دوره، به توجهات ویژه‌ای نیازمندند. این امر لزوم بهره‌گیری از رویکرد کیفی، توجه به تمامی ابعاد مرتبط با مدرسه، معناکاوی در ادراک دانش‌آموزان پایه‌های متفاوت ابتدایی و با توجه به جنسیت دانش‌آموزان را روشن نمود؛ لذا تلاش شد تا با رویکردی کیفی و روشی پدیدارشناسانه، به دانش‌آموزان این آزادی داده شود تا هر طور که دوست دارند و بدون مرز و محدوده خاصی در مورد مدرسه مورد علاقه خود بنویسند و ترجیحات خود را در تمامی حوزه‌ها مثلاً فضای فیزیکی، اخلاق کارکنان، اخلاق دانش‌آموزان، امکانات مورد نیاز، شرایط معلم خوب، جنسیت کارکنان و معلمان در مدرسه توصیف کنند. این راهبرد کمک می‌نماید تا وجوه اشتراک و تفاوت نظرات گروه‌های مختلف دانش‌آموزی مد نظر قرار گرفته شده و به این سؤال که «بر اساس تجربه زیسته دانش‌آموزان دوره ابتدایی، مدرسه ایدئال چه ویژگی‌هایی دارد؟» پاسخ داده شود.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که در این تحقیق ادراک دانش‌آموزان پایه‌های سوم تا ششم در زمینه ویژگی‌های مدارس مورد نظرشان مورد واکاوی قرار گرفت و به دنبال کشف، توصیف و تبیین داده‌ها بدون اعمال استنباط‌های شخصی خود و صرفاً استفاده از روایت‌های شرکت‌کنندگان بودیم، لذا برای انجام آن از رویکرد کیفی، روش پدیدارشناسی از نوع توصیفی استفاده کردیم.

مدارس ابتدایی مازندران، میدان این پژوهش بوده است؛ به همین منظور از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع طبقه‌ای به کسب نظرات پایه‌های سوم تا ششم شامل چهار مدرسه (مدرسه تک‌جنسیتی دخترانه، مدرسه تک‌جنسیتی پسرانه، مدرسه مختلط تک‌پایه و مدرسه مختلط چندپایه) پرداخته شد؛ با این روش هر طبقه از این نمونه پاسخ‌گوی بخشی از نیازها و اهداف پژوهش باشد و هر مدرسه پاسخگوی بخشی از سؤال پژوهش بود و استفاده از مدارس مختلف باعث مشخص شدن ابعاد مختلف مسئله پژوهش گردید.

در این پژوهش تلاش شد که با پارادایم تفسیرگرایی به شناخت و گردآوری تجارب و خواسته‌های دانش‌آموزان از مدرسه مطلوب آنها پرداخته شود بنابراین با رویکردی کل‌گرا و

چندجانبه به گردآوری نظرات دانش‌آموزان پرداخته شده است تا پژوهشگران آینده بتوانند با تعمیم پسینی و بر اساس شرایط حاکم بر محیط پژوهش خود از این پژوهش کمک بگیرند.

با توجه به زمانبر بودن اجرای مصاحبه و دشواری‌های ناشی از گستردگی جغرافیایی میدان پژوهش، برای گردآوری داده‌ها از فن‌انسان‌نویسی استفاده کردیم و از دانش‌آموزان پایه‌های سوم تا ششم خواستیم تا انشایی با موضوع «بهترین مدرسه‌ای که دوست دارم در آن درس بخوانم مدرسه‌ای است که ...» یا «مدرسه ایدئال» یا موضوعاتی با این مضامین به تشخیص معلم کلاس مربوطه بنویسند؛ البته چون برای این پژوهش حدوداً در اسفند ماه به گردآوری داده‌ها پرداخته شد و دانش‌آموزان پایه سوم نیز تقریباً با انسان‌نویسی و بندنویسی آشنا بودند، با این حال انشاهای نامفهوم یا گنگ (یا بخش‌های گنگ آن) در تمامی پایه‌ها هنگام تحلیل متن انشا حذف گردید.

برای جمع‌آوری این انشاها یا به صورت حضوری یا به صورت تلفنی با معلم کلاس‌های مربوطه هماهنگ شد و پس از تأکید بر این نکته که نامی از مدرسه ذکر نخواهد شد و توجه اینکه این انشاها به صورت محرمانه در اختیار پژوهشگر باقی می‌ماند و در اختیار مقام‌های بالادستی قرار نخواهد گرفت، رضایت معلمان برای همکاری جلب گردید و سپس در مورد جمع‌آوری انشا از آنها خواسته شد تا برای گردآوری انشاها بین عنوان‌های ذکرشده یا عنوان مشابه به تناسب شرایط متفاوت کلاس و سپس تأیید پژوهشگر انتخاب شود و در کلاس پس از ذکر عنوان، توضیحی اجمالی و کلی در مورد عنوان انتخابی داده شود و توضیحات به نحوی مطرح شود که باعث سلب خلاقیت و جهت‌دهی به کودک نشود و کودک بتواند آزادانه به بیان خواسته‌های خود بپردازد در ضمن از معلمان خواستیم تا نسبت به بی‌تأثیر بودن این انشا در ارزشیابی و آزادی آنها در ذکر خواسته‌ها اطمینان داده شود و از آنها خواسته شود در صورت تمایل، نام، جنسیت و پایه و نام مدرسه خود را ذکر کنند. همچنین به معلمان تذکر داده شد تا از کار گروهی و همکاری در نوشتن این انشا جلوگیری شود تا کودکان با خلاقیت و توانایی‌های خود به نوشتن انشا بپردازند؛ زیرا «پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه اندیشه انسان، تفکر خلاق است» (رحمانی‌زاهد، هاشمی و نقش، ۱۳۹۷).

تحلیل داده‌ها را به صورت دستی و با استفاده از راهبرد هفت مرحله‌ای گلابزی (۱۹۷۸) در مراحل شامل «آشنایی با داده‌ها، شناسایی اظهارات قابل توجه، فرموله کردن معانی، خوشه‌بندی مضامین، توسعه یک توصیف جامع، تهیه ساختار اساسی و تأیید ساختار اساسی (مورو، رودریگوز و کینگ، ۲۰۱۵) انجام دادیم. برای تحلیل داده‌ها نیز ابتدا چندین انشا (۹۰ مورد از انشای دانش‌آموزان) از هر مدرسه و از پایه‌های مختلف را بررسی کردیم. به منظور شناسایی اظهارات قابل توجه، ابتدا بخش‌هایی از انشای دانش‌آموزان به عنوان نشانگر تعیین شد، سپس از

بین نشانگرهای پر تکرار، زیرمضامین و مضامین را برای بررسی بیشتر استخراج کردیم و پس از آشنایی اولیه با خواسته‌های دانش‌آموزان، باقی‌مانده انشاها مورد بررسی قرار گرفت و در این مرحله تنها مطالب جدید و یا مطالبی که می‌توانست به غنای بیشتر پژوهش کمک کند، مشخص شد و مطالبی که به نحوی تکراری بودند و یا در مراحل قبل معادل آنها استفاده شده بود در نظر گرفته نمی‌شدند. این فرایند تا اشباع نظری داده‌ها و بررسی ۹۰ انشا از ۱۶۴ (بدون احتساب انشاهای نامفهوم حذف شده یا فاقد اظهارات قابل توجه جدید که کنار گذاشته شدند) ادامه یافت و مضامین و مطالب در هر مرحله هماهنگ‌سازی شد. به باور هنیک، کیزر و مرکونی^۱ (۲۰۱۶)، دو نوع اشباع نظری شامل اشباع کدها و اشباع معنی^۲ وجود دارد. در این مطالعه، اشباع نظری داده‌ها مبتنی بر اشباع معنی^۳ به دست آمد. از آنجا که طبق توصیه مورس^۴ (۲۹۱۵)، به منظور ارتقای اشباع معنی از راهبردهایی نظیر درگیری طولانی‌مدت در مطالعه^۵، مشاهدات مستمر^۶، توصیف غنی و جامع^۷، تحلیل موارد منفی^۸، مرور متخصصان^۹، شناسایی و کنترل سوگیری‌های احتمالی پژوهشگران^{۱۰}، مرور شرکت‌کنندگان و مخاطبان بیرونی^{۱۱} استفاده شد، می‌توان اشباع نظری بدست‌آمده را مناسب و معتبر فرض نمود. از سوی دیگر، نگارش مقالات به روش کیفی، متضمن گزارش داده‌های متنی (نه عددی) است و با لغات، موضوعات و نوشته‌ها مشخص می‌شود. اغلب از نقل قول‌های مستقیم شرکت‌کنندگان استفاده می‌شود و از ضمیر اول‌شخص مفرد، یا در اصطلاح «صدای فعال»^{۱۲} استفاده می‌شود. چنین صدایی منجر به اطمینان بیشتر می‌شود (به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر سعی شده این ویژگی‌ها در نگارش مورد توجه ویژه قرار گیرد.

برای ارتقای اعتبارپذیری^{۱۳} یافته‌ها (معادل روایی درونی^{۱۴} در پژوهش کمی)، از فنون و راهبردهایی مانند حضور طولانی مدت در محیط پژوهش و صرف زمان طولانی با شرکت‌کنندگان، تبادل نظر با هم‌تایان^{۱۵}، کنترل از سوی اعضا^{۱۶}، استفاده کردیم. همچنین از

1. Hennink, Kaiser, and Marconi
2. Code saturation and meaning saturation
3. meaning saturation
4. Morse
5. Prolonged engagement
6. persistent observation
7. Thick and rich description
8. Negative case analysis
9. peer review or debriefing
10. clarifying researcher bias
11. member checking; external audits
12. active voice
13. Credibility
14. Internal validity
15. Peer debriefing
16. Member check

سه‌سویه‌نگری^۱ مبتنی بر تنوع بخشی به پایه‌های تحصیلی و جنسیتی شرکت‌کنندگان، تحلیل موارد منفی و متناقض^۲ تفسیر شده در داده‌ها، و نظرات دو نفر از متخصصان تعلیم و تربیت، به‌منظور اعمال نظر نهایی، بهره گرفته شد. افزون بر این، تلاش کردیم تا با توصیف دقیق زمینه مطالعه، پیش‌فرض‌ها و شرایط پژوهش و ارائه جزئیات آن، زمینه لازم برای افزایش انتقال‌پذیری^۳ یافته‌های پژوهش (معادل روایی بیرونی^۴ در پژوهش کمی) را فراهم آوریم. به‌منظور ایجاد قابلیت اطمینان^۵ به پژوهش (معادل پایایی در پژوهش کمی)، تلاش نمودیم تا با تشریح جزئیات مربوط به چگونگی گردآوری داده‌ها، نحوه تصمیم‌گیری‌ها، تفسیر و تحلیل‌های طی شده در فرایند پژوهش، زمینه‌ای برای انجام «مسیرنمای حسابرسی^۶» را فراهم نماییم. همچنین برای ارتقای تأییدپذیری^۷ یافته‌های پژوهش (معادل عینیت در پژوهش کمی)، سعی داشتیم تا با استفاده از یادداشت میدانی و در فرایند تحلیل و تفسیرهای انجام شده، تا آنجا که امکان‌پذیر است، اندیشه‌ها، باورها و انتظارات ذهنی خود را در جریان گردآوری و تحلیل داده‌ها کنترل کنیم. همچنین برای افزایش اعتبار پژوهش مواردی نظیر «استفاده از چهار پایه مختلف مدرسه ابتدایی که توانایی نوشتن انشا را داشتند»، «استفاده از مدارس دارای ساختار مختلف (از نظر جنسیت و پایه‌ها)»، «استفاده از مدارس دارای شرایط جغرافیایی متفاوت»، «کمک گرفتن از دو معلم دیگر در مراحل انجام پژوهش و آماده سازی گزارش پژوهش» و «بررسی انشای دانش‌آموزان پس از اشیاع داده‌ها برای اطمینان از توجه به مطالب خاص و منحصر به فرد ذکر شده در انشای دانش‌آموزان» را مورد توجه و استفاده قرار دادیم.

یافته‌های پژوهش

کاوش دقیق دیدگاه‌ها و مقایسه‌های متوالی نوشته‌های دانش‌آموزان مورد مطالعه به شناسایی شش مضمون اصلی شامل «عامل مربوط به ملزومات و فضای فیزیکی، عامل مربوط به تجهیزات، عامل مربوط به جنسیت، عامل مربوط به خصوصیات اخلاقی، عامل مربوط به روش‌های تدریس و عامل مربوط به وسایل و پوشش دانش‌آموزان» و سه زیرمضمون پرتکرار در بخش عوامل مربوط به ملزومات و فضای فیزیکی به صورت «ا. شکل و ظاهر محوطه مدرسه ب. ملزومات و ساختمان‌های آموزشی و اجرایی ج. ملزومات و ساختمان‌های خدماتی- رفاهی و ورزشی و بهداشتی» منتج گردید که در ادامه با استفاده از روایت‌ها، به بررسی آن پرداخته‌ایم.

1. Triangulation
2. Negative case analysis
3. Transfeability
4. external validity
5. Dependability
6. Auditing trail
7. Confirmability

۱. عامل مربوط به ملزومات و فضای فیزیکی:

عامل مربوط به ملزومات و فضای فیزیکی بر اساس هشت زیرمضمون رنگ‌نما، فضای سبز، طراحی حیاط، ملزومات و فضای آموزشی، ملزومات و فضای اجرایی، ملزومات و فضای خدماتی- رفاهی و ملزومات و فضای ورزشی و ملزومات و فضای بهداشتی و سه مضمون «شکل و ظاهر محوطه مدرسه»، «ملزومات و ساختمان‌های آموزشی و اجرایی» و «ملزومات و ساختمان‌های خدماتی- رفاهی و ورزشی و بهداشتی» شناسایی و مفهوم‌پردازی شد که در ادامه با استفاده از روایت‌ها، آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

جدول شماره ۱. عامل مربوط به ملزومات و فضای فیزیکی

مضمون اصلی	مضمون	زیرمضمون	نقل قول
		رنگ نما	نمای مدرسه باید سنگ باشد. دیوارهای مدرسه سفت و محکم باشد و نباید گچ‌ها از دیوار بریزد.
	شکل و ظاهر محوطه مدرسه	فضای سبز	مدرسه اگر کنار دریا، رودخانه یا جنگل باشد خیلی لذت بخش است. باید یک باغ و باغیان در مدرسه باشد و در آن حیوانات و درختان زیبا باشد.
		طراحی حیاط	حیاط مدرسه باید بزرگ باشد و هم پسرها و هم دخترها بتوانند در آن بازی کنند. حیاط مدرسه نباید گلی باشد و نیز نباید در آن سبزی بکارند.
عامل مربوط به ملزومات و فضای فیزیکی	ملزومات و ملزومات‌های آموزشی و اجرایی	ملزومات و فضای آموزشی	کلاس‌ها باید بزرگ باشد تا در زنگ تفریح راحت بیرون برویم. در مدرسه باید برای بعضی از درس‌ها مثل هنر و علوم کلاس مخصوص داشته باشیم.
		ملزومات و فضای اجرایی	باید اتاق صبحانه از اتاق مدیر جدا باشد تا بچه‌ها بتوانند اگر نیاز بود در زنگ تفریح به دفتر بروند.
		ملزومات و فضای خدماتی- رفاهی	پشت حیاط مدرسه باید یک کافی شاپ و یک بوفه داشته باشد. مدرسه باید کتابخانه بزرگی داشته باشد که در آن کتاب‌های قرآنی، زندگانی پیامبران و کتاب‌های آموزنده داشته باشد.
	ملزومات و -رفاهی و ورزشی و بهداشتی	ملزومات و فضای ورزشی	مدرسه باید استخر، زمین تنیس و سالن ورزش‌های رزمی داشته باشد.
		ملزومات و فضای بهداشتی	تمام دستشویی‌ها باید سالم باشد. در سرویس بهداشتی باید مایع و دستمال کاغذی یا دست خشک‌کن باشد.

(أ) شکل و ظاهر محوطه مدرسه

بیشتر دانش‌آموزان به نمای زیبا، حیاط بزرگ، فضای سرسبز مدرسه، وجود باغچه، درختان و حتی وجود باغ و باغبان در مدرسه اشاره کردند؛ برای نمونه در نوشته دانش‌آموزی که چند نکته در مورد مدرسه خوب مثال زده بود، این موارد نیز دیده می‌شد: "... حیاط بزرگ دارد، فضای زیبایی برای بازی کودکان دارد، درحیاط مدرسه با همکاری بچه‌ها باید گل، درخت و چمن کاشته شده باشد تا از آن فضا لذت ببرند."

البته بعضی از دانش‌آموزان افزون بر موارد بالا به وجود باغبان در مدرسه و کتاب‌های آموزشی در زمینه گیاهان در کتابخانه مدرسه نیز اشاره کردند. برای نمونه یکی از آنها نوشته بود: "...مثلاً در حیاط صندلی برای نشستن داشته باشد، باغ خوب با گل و گیاه و درختان میوه داشته باشد..."

عده‌ای از دانش‌آموزان نیز در مورد رنگ ساختمان مدرسه، رنگ و فضای کلاس و دیوارهای مدرسه چیزهایی نوشتند؛ برای نمونه یک دانش‌آموز دختر در این مورد نوشته بود: "... رنگ دیوارهای بیرون مدرسه باید یاسی باشد... دیوارهای داخل کلاس باید کاغذ دیواری گلپه‌ای داشته باشد."

دانش‌آموزان دختر بیشتر رنگ‌های آبی، صورتی و قرمز پیشنهاد می‌دادند، اما پسران کمتر به رنگ‌های خاص اشاره می‌کردند و به گفتن اینکه دیوارها رنگ یا کاغذ دیواری زیبا داشته باشند بسنده می‌کردند. در مواردی هم عده‌ای از آنها به رنگ‌های آبی و قرمز (معمولاً به طرفداری از تیم‌های فوتبال) و رنگ سبز اشاره می‌کردند. یک نظر مشترک بین دخترها و پسرها مشاهده می‌شد و آن هم این بود که باید در مدرسه از رنگ‌های روشن استفاده شود که در پژوهش‌های گذشته نیز اهمیت این موضوع به تأیید رسیده است. از نظر پژوهشگر، دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه نیز نظرات مشابه و سهل‌الوصول‌تر و کم‌هزینه‌تری داشتند که به نوعی از ضرورت‌های اولیه، برای قرار دادن نام مدرسه روی یک ساختمان (محوطه) است. برای نمونه یکی از آنها نوشته است "دوست دارم فضای مدرسه ما بیشتر باشد و سیمان باشد تا هنگامی که داریم فوتبال و... بازی می‌کنیم، در میان گل و لای نیفتیم و لباس ما گلی نشود." دانش‌آموزان چندپایه با توجه به کم‌توجهی به مدارس چندپایه به رنگ کردن دیوارها قانع بودند و انتظارات بالا مثلاً نمای سنگ یا سرامیک و ... نداشتند.

(ب) ملزومات و ساختمان‌های آموزشی و اجرایی

تعدادی از دانش‌آموزان فضا و ساختمان‌های موجود در مدرسه را نیز ترسیم کرده بودند و تمایل داشتند این مدرسه چند طبقه باشد. آنها به مواردی مانند جدایی اتاق مدیر و معاونان و معلمان، وجود کتابخانه، آزمایشگاه، اتاق کامپیوتر و کلاس مناسب و ثابت برای هر درس اشاره کردند. دانش‌آموزان مجموعه‌ای از ساختمان‌ها که به‌عنوان اصلی‌ترین قسمت مدرسه‌های امروز هستند را بررسی کردند و آن را برای خواننده توصیف کردند و حتی آنها محل قرارگیری هر قسمت را نیز مشخص کردند. برای نمونه دانش‌آموزی نوشت: "باید مدرسه را در کنج زمینش درست کنند تا در جلوی قسمت‌های دیگر مانند بوفه، زمین فوتبال، سرویس بهداشتی، آب-خوری و برای روزهای بارانی سالن ورزشی داشته باشد."

دانش‌آموزان به ویژگی‌های ساختمان مخصوص آموزش نیز توجه کردند و آن را به‌خوبی به تصویر کشیدند و یکی از آنها در این باره نوشته است: "... طرح مدرسه باید مثل یک مثلث باشد؛ طبقه اول کلاس‌های درس، طبقه دوم کتابخانه و طبقه سوم آزمایشگاه باشد..." چند تن از دانش‌آموزان نیز خواستار کلاس و معلم اختصاصی برای هر درس شدند و به تجهیز کلاس‌ها به تناسب دروس اشاره کردند. تعدادی از دانش‌آموزان نیز ضرورت وجود اتاق کامپیوتر و اتاق مطالعه را یادآور شدند.

البته یکی از دانش‌آموزان به نکته‌ای خاص که در مدارس به آن توجه نمی‌شد اشاره کرده بود و نوشته بود: "... اتاقی امن برای محافظت دانش‌آموزان که دارای یک تلفن یکطرفه برای تماس با مأمورهای انتظامی، آتش‌نشانی، هلال احمر و اورژانس داشته باشد." که از نظر پژوهشگر بررسی‌های بیشتر در این زمینه خالی از لطف نیست و با توجه به اینکه مدارس به‌جز کاربردهای آموزشی مرسوم در زمان‌های خاص کاربردهای خاصی نیز پیدا می‌کنند برای نمونه در زمان‌های جنگ و حملات دشمنان با توجه به احترام خاصی که در جای‌جای دنیا برای این مکان قائل هستند، محل تجمع و پناه گرفتن عموم مردم بوده است و یا مثلاً در زمان حوادث غیر مترقبه مانند سیل و زلزله نیز به عنوان پناهگاه استفاده می‌شوند. لزوم بررسی‌های بیشتر درباره نوشته این دانش‌آموز حس می‌شود. در مدارس چندپایه دانش‌آموزان معمولاً به بی‌نظمی کلاس، نمازخانه و دفتر اشاره می‌کردند. حدود نیمی از آنها این موضوع را مطرح کردند؛ برای نمونه یکی از آنها نوشته است: "... کلاس‌ها و نمازخانه تمیز باشد و آزمایشگاه، کتابخانه و میز و صندلی در نمازخانه نباشد، دفتر مرتب باشد..." و دانش‌آموز دیگری نوشته است: "... و در آزمایشگاه یک میز زیبا باشد که تمام وسایل روی آن باشد."

ج) ملزومات و ساختمان‌های خدماتی رفاهی و ورزشی

تعدادی از دانش‌آموزان نیز خواستار فضاهای ورزشی بیشتری شدند؛ مثلاً دانش‌آموزی نوشته است: "تیرک دروازه باید آهنی باشد. زمین بزرگ باشد و جای مناسب برای تمام ورزش‌ها مانند

بسکتبال، شنا، کشتی و ووشو داشته باشد." البته ورزش‌های مورد علاقه دانش‌آموزان به همین ورزش‌ها خلاصه نمی‌شد و به ورزش‌های دیگری مانند بیلارد، بیس‌بال، استخر، والیبال، تنیس، اسکیت و اسکی اشاره کردند.

دانش‌آموزان مدارس چندپایه افزون بر ذکر کمبود فضای کافی برای ورزش و فوتبال کردن پسرها و وجود موانع برای بازی دخترها اشاره کردند که از میان این موانع برای بازی دخترها دو مورد را تقریباً تمام دخترهای مدرسه ذکر کردند که یکی سبزی‌کاری مدیر آموزگار مدرسه در حیاط کوچک مدرسه (نوعی درآمدزایی برای مدرسه یا استفاده شخصی از مدرسه بدون توجه به نیازهای کودکان) و دیگری گلی‌بودن قسمت بازی دخترها که به نوعی به بی‌توجهی عوامل مدرسه به فضای بازی دختران اشاره دارد که البته به نوعی نیز می‌تواند بیانگر توجه بیشتر مدارس روستا به پسران و قراردادن اولویت به برآوردن خواسته‌های پسران باشد؛ برای نمونه دختری نوشته است: "... یک جا برای ورزش کردن ما دخترها باشد ... معلم ما در حیاط سبزی نکارد." بعضی از انشاها بیانگر اهمیت وجود بوفه، کافی شاپ، خوابگاه و سرویس بهداشتی با کیفیت بهتر بودند؛ مثلاً دانش‌آموزی در مورد سرویس بهداشتی و جدا بودن سرویس بهداشتی دخترها و پسرها در مدرسه نوشته بود: "... پسرها یک طرف، دخترها یک طرف؛ پسرها و دخترها نباید هیچ ارتباطی با هم داشته باشند و باید سرویس دخترها و پسرها جدا باشد."

تعدادی نیز در مورد پاکیزگی نظراتی دادند که در ادامه بررسی خواهد شد، ولی دانش‌آموزی پس از توصیف فضای فیزیکی و نمای مدرسه در مورد شرایط فیزیکی سرویس‌های بهداشتی نوشته بود: "... سرویس بهداشتی باید به رنگ سفید یا روشن باشد تا کثیفی را نشان دهد." البته این توضیحات در مورد سرویس‌های بهداشتی به همین چیزها ختم نشد و در مورد بعضی از دانش‌آموزان به صورت نوعی وسواس خودش را نمایان کرد که در واقع ریشه در رعایت نکردن بعضی نکات در برخی مدارس دارد؛ مثلاً دانش‌آموزی در انشای خود قسمتی از آرزویش را در مدرسه ایدئال به صورت زیر شرح داده است و با قراردادن خود در فضای خیالی این مدرسه گفته است: "... و آنها به هر دانش‌آموز یک کلید دادند که یک دستشویی برای خود او باشد و دست خشک‌کن هم داشت."

دانش‌آموزان مدرسه چندپایه فقط به ذکر وجود آفتابه سالم و مایع دستشویی در سرویس بهداشتی و وجود یک بوفه برای روزهایی که نمی‌توانند غذا بیاورند بسنده کردند که از نظر نویسنده به نوعی به آرزوهای کوچک و سهل‌الوصول آنها اشاره دارد و برای محقق شدن این آرزوها فقط نیاز به همت مدیر و معلمان این مدارس حس می‌شود. البته «با مطالعه وضعیت موجود در مدارس کشورمان مشخص می‌شود که یکی از مشکلات نظام آموزش و پرورش نامناسب بودن کیفیت کار مدیران مدارس است» (صادقی‌نیا، صالحی و مقدم‌زاده، ۱۳۹۷) به همین

علت نیاز به ایجاد بسترهای پرورش این مدیران توسط سازمان آموزش و پرورش به شدت محسوس است.

۲. عامل مربوط به تجهیزات

عامل مربوط به تجهیزات بر اساس هشت زیرمضمون «برد و تخته‌های هوشمند»، «سیستم صوتی و تصویری»، «مجهز بودن آزمایشگاه»، «استفاده از میکروسکوپ و تلسکوپ»، «تجهیزات رشته‌های گوناگون ورزشی»، «سالم بودن تجهیزات ورزشی»، «کمد و قفسه و آویزها» و «وسایل متفرقه و کوچک» و چهار مضمون «تجهیزان چندرسانه‌ای و هوشمندسازی»، «تجهیزات آزمایشگاه»، «تجهیزات ورزشی»، و «تجهیزات غیرهوشمند کلاس و سالن» شناسایی و مفهوم‌پردازی گردید که در ادامه با استفاده از روایت‌ها، آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

دانش‌آموزی در مورد امکانات مورد نیاز کلاس درس موارد زیر را یادآوری شده است:

"... به در حیاط مدرسه می‌رسم، کنار در حیاط صفحه‌ای الکتریکی وجود دارد که با لمس آن به خانواده‌ام خبر می‌دهم که رسیدم و در حیاط باز می‌شود، وارد حیاط مدرسه شدم ... در کلاس را باز می‌کنم و وارد می‌شوم، کلاس بسیار بزرگ و تجهیزاتی چون تخته هوشمند، تخته وایت‌برد و در گوشه‌ای از کلاس آب‌سردکن هست که دانش‌آموزان از آن استفاده می‌کنند. برای هر دانش‌آموز در کلاس حداقل یک رایانه موجود است و جمعیت کلاس بیشتر از ۱۵ نفر نیست و میزهای یک‌نفره که کنار هر میز کمد کوچکی دارد در کلاس هست که وسایلمان را در آن می‌گذاریم و در هر کلاس زنگی موجود است که دانش‌آموزان را از هر خبری آگاه می‌کند." از آنجایی که نوشته این دانش‌آموز در زمینه تجهیزات کلاس کاملاً گویا بود و به تنهایی تجمیعی از دیگر نوشته‌ها بود، به‌طور مستقیم ذکر شد، ولی نوشته‌ها در مورد تجهیزات کلاس به همین‌ها ختم نشد و دانش‌آموزان دیگری بودند که افزون بر این موارد به چیزهای دیگری اشاره کردند که عبارتند از: وجود یک یا دو میکروسکوپ در هر کلاس، وجود تخته هوشمند با تأکید دانش‌آموزان بر استفاده کردن از آن در کلاس درس، وجود کامپیوتر، ضبط و باندر کلاس درس (موسیقی، سرود، فیلم آموزشی، روخوانی و ...)، وجود تلویزیون LED در هر کلاس، وجود کولر و وسایل گرمایشی مناسب، وجود موکت و فرش در کلاس، وجود جاکفشی مناسب، وجود جالباسی مناسب و به تعداد دانش‌آموزان، سطل زباله که با پا باز شود، تاب و سرسره، میز و صندلی برای غذا خوردن، مایع دستشویی، هلیکوپتر عکاسی و دیگر موارد؛

در مدارس چندپایه دانش‌آموزان خواستار تجهیزات زیادی نبودند و فقط به تعدادی لوازم ورزشی و میز و صندلی‌های سالم که خط خطی و سوراخ نباشند. به وجود موکت در کلاس و استفاده از تخته وایت‌برد به جای تخته سیاه نیز اشاره کردند. برای نمونه دانش‌آموزی آرزوی خود را با معصومیت کودکانه خود این‌گونه بیان کرده است: "دوست دارم در کلاس ما تخته"

وایت‌برد به جای تخته گچی باشد، چون تخته گچی لباس و دست بچه‌ها را کثیف می‌کند، بعد هم مادرها باید لباس‌های بچه‌هایشان را بشویند و خسته می‌شوند." از نظر نگارندگان در مدارس چندپایه اشاره نشدن به سیستم‌های روز صوتی و تصویری و امکاناتی مانند ویدیو پروژکتور نشانه نوعی بیگانگی و ناآشنایی با امکانات رایج کلاس‌های درس است و در قسمت روش‌های تدریس در ادامه نیز خواهیم دید که به نظر می‌رسد روش‌های تدریس هنوز سنتی هستند و تغییری نسبت به روش‌های قدیمی دیده نمی‌شود.

جدول شماره ۲. عامل مربوط به تجهیزات

مضمون اصلی	مضمون	زیرمضمون	نقل قول
عامل مربوط به تجهیزات	تجهیزات چند رسانه‌ای و هوشمندسازی	برد و تخته‌های هوشمند	همه کلاس‌ها باید کامپیوتر و تخته هوشمند داشته باشند.
		سیستم صوتی و تصویری	دم در حیاط مدرسه باید یک حسگر اثر انگشت برای حضور و غیاب باشد و به پدر و مادرها پیامک دهد. در هر کلاس باید یک تلویزیون و تلفن باشد. مدرسه باید یک بلندگو و ضبط خوب برای ورزش صبحگاهی داشته باشد.
		تجهیزات آزمایشگاه	آزمایشگاه باید همه وسایلی را که در کتاب علوم هست داشته باشد و یک معلم خصوصی در آن باشد تا تمام آزمایش‌ها را انجام دهد. روی پشت بام مدرسه باید یک تلسکوپ باشد. من خیلی دوست دارم تا با میکروسکوپ چیزهای مختلف را ببینم، ولی فقط ششمی‌ها میکروسکوپ دارند.
تجهیزات ورزشی	تجهیزات ورزشی	تجهیزات رشته‌های گوناگون ورزشی	مدرسه باید وسایل ورزش‌های مختلف مثل کشتی، فوتبال و شنا را داشته باشد. توپ‌ها باید پر باد باشد و یک تلمبه برقی در مدرسه باشد. تور والیبال و دروازه نباید پاره باشد.
		سالم بودن تجهیزات ورزشی	دم در کلاس باید یک جاکفشی باشد و کلاس فرش باشد و آویز لباس و جای وسایل برای همه دانش‌آموزها باشد و هر دانش‌آموز کمد کوچکی داشته باشد. در سالن باید برای هر کلاس برد جداگانه‌ای باشد تا کارهای بچه‌ها را روی آن بچسبانند. سطل آشغال‌های تفکیک زباله برای کاغذ، شیشه، پلاستیک و زباله‌های تر باید در هر کلاس باشد.
تجهیزات غیرهوشمند کلاس و سالن	تجهیزات غیرهوشمند کلاس و سالن	کمد و قفسه و آویزها	دم در کلاس باید یک جاکفشی باشد و کلاس فرش باشد و آویز لباس و جای وسایل برای همه دانش‌آموزها باشد و هر دانش‌آموز کمد کوچکی داشته باشد. در سالن باید برای هر کلاس برد جداگانه‌ای باشد تا کارهای بچه‌ها را روی آن بچسبانند. سطل آشغال‌های تفکیک زباله برای کاغذ، شیشه، پلاستیک و زباله‌های تر باید در هر کلاس باشد.
		وسایل متفرقه و کوچک	دم در کلاس باید یک جاکفشی باشد و کلاس فرش باشد و آویز لباس و جای وسایل برای همه دانش‌آموزها باشد و هر دانش‌آموز کمد کوچکی داشته باشد. در سالن باید برای هر کلاس برد جداگانه‌ای باشد تا کارهای بچه‌ها را روی آن بچسبانند. سطل آشغال‌های تفکیک زباله برای کاغذ، شیشه، پلاستیک و زباله‌های تر باید در هر کلاس باشد.

۳. عامل مربوط به جنسیت:

عامل مربوط به جنسیت بر اساس پنج زیرمضمون «سهولت برقراری ارتباط با کارکنان»، «رعایت حجاب و آموزه‌های دینی»، «سهولت برقراری ارتباط بین دانش‌آموزان»، «رعایت حجاب و آموزه‌های دین» و «همکاری دانش‌آموزان با هم» و دو مضمون «جنسیت کارکنان مدرسه» و «جنسیت دانش‌آموزان» شناسایی و مفهوم‌پردازی گردید که در ادامه با استفاده از روایت‌ها، آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

اگرچه بعضی از دانش‌آموزان در مورد جنسیت معلم زیاد تفاوتی قائل نشدند و برای نمونه یکی از آنها نوشته است «معلم باید یک خانم/آقای خوب باشد ... فرقی ندارد مرد یا زن باشد. معلم باید جوری با بچه‌ها دوست باشد که بچه‌ها راحت باشند؛ یعنی اگر سؤالی دارند، راحت بپرسند.» البته تعداد دانش‌آموزانی که این عقیده را داشتند چندان هم زیاد نبود و هر چه پایه بالاتر بود، به هم‌جنس بودن معلم و دانش‌آموز تأکید بیشتری می‌شد؛ البته تقریباً همه دانش‌آموزان به جدا بودن دخترها و پسرها تمایل داشتند و برای کادر اجرایی مدرسه هم این موضوع صدق می‌کرد و به تناسب جنسیت خودشان، جنسیت کادر مدرسه را نیز محدود می‌کردند. برای نمونه یکی از دخترها نوشته بود: «مدرسه باید فقط دخترانه باشد و تمام کسانی که در مدرسه هستند زن باشند، حتی یک مرد هم وجود نداشته باشد» تقریباً دخترهایی که به جنسیت معلم دقت کردند این مورد را ذکر کردند، ولی پسرها نیز به‌جز چند مورد، نظر مشابهی داشتند و خواستار معلم مرد برای خودشان شدند که تعدادی از آنها هم به خاطر زنگ ورزش و بازی کردن معلم مرد با آنها بود. برای نمونه یک پسر نوشته است: «... معلم همیشه به ما ورزش بدهد و دوست دارم معلم ما مرد باشد.»

جدول شماره ۳. عامل مربوط به جنسیت

مضمون اصلی	مضمون	زیرمضمون	نقل قول
عوامل مربوط به جنسیت	جنسیت کارکنان مدرسه	سهولت برقراری ارتباط با کارکنان	معلم باید خانم [همجنس] باشد تا با او درد دل کنیم و خجالت نکشیم؛ مدیر و معاون باید یکی مرد و دیگری زن باشد تا هم دخترها و هم پسرها با آنها راحت باشند.
	عوامل مربوط به جنسیت	رعایت حجاب و آموزه‌های دینی	همه معلم‌ها و مدیرها باید زن باشند تا در مدرسه راحت‌تر باشیم. فرقی نمی‌کند معلم مرد یا زن باشد، فقط باید خوب و مهربان باشد [بخشی از انشای یکی از پسرها]
	جنسیت دانش‌آموزان	سهولت برقراری ارتباط بین دانش‌آموزان	دخترها وقتی اتفاق کوچکی بین ما می‌افتد زود به مدیر می‌گویند و مدیر و معاون از ما ناراحت می‌شوند.

رعایت حجاب و آموزه‌های دین	اگر پسرها داخل کلاس نباشند، معلم کمتر به لباس‌های ما سخت می‌گیرد.
همکاری دانش‌آموزان با هم	وقتی چیزی را خوب متوجه نشدم، دخترها بهتر از دوستانم درس را برای من توضیح می‌دهند و به من کمک می‌کنند.

۴. عامل مربوط به خصوصیات اخلاقی:

عامل مربوط به خصوصیات اخلاقی بر اساس چهار زیرمضمون «مهربانی»، «بازی و تعامل زیاد با دانش‌آموزان»، «رفتار منطقی»، «رعایت نظافت» و دو مضمون «کارکنان مدرسه» و «دانش‌آموزان» شناسایی و مفهوم‌پردازی شد که در ادامه با استفاده از روایت‌ها، آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم. دانش‌آموزان گاهی خواستار ویژگی‌هایی برای دیگر دانش‌آموزان و عوامل اجرایی شدند که به نوعی در راستای حفظ اعتماد به نفس و حفظ عزت نفس بیان شده بود. برای نمونه دانش‌آموزی که در مدرسه با لقب‌های ناخوشایند یکی از شخصیت‌های تلویزیونی مورد خطاب قرار می‌گرفت و این لقب به صورت برجسته برای او در نظر گرفته شده و در مدرسه فراگیر شده بود نوشت: "... دلم نمی‌خواهد بچه‌ها یکدیگر را مسخره کنند و دلم می‌خواهد بچه‌ها به همدیگر احترام بگذارند." که به نوعی به عزت نفس خدشه‌دار شده این دانش‌آموز توسط دانش‌آموزان دیگر اشاره می‌کند؛ در این زمینه یکی دیگر از بچه‌ها این‌گونه منظور خود را بیان کرده است: "... معلم ما وقتی درس می‌دهد آن را آنقدر توضیح می‌دهد تا ما یاد بگیریم و هیچی به ما نمی‌گویند و تا حالا هیچ یک از دانش‌آموزان را به دفتر نبرده است ... معلم خوب و مهربانی است." دانش‌آموزان معمولاً در انشای خود تنبیه بدنی را نفی می‌کردند تا اعتماد به نفس دانش‌آموزان حفظ شود، ولی در زمینه‌های به‌خصوصی که عزت نفس دانش‌آموزان ممکن بود به خطر بیفتد از واژگانی که به تنبیه بدنی اشاره داشت استفاده کردند. برای نمونه دانش‌آموزان نوشته بود: "اگر یک دانش‌آموز دیگران را مسخره کند معلم باید به او اخطار بدهد و اگر بار دیگر آن کار را انجام داد او را بزند" که این همه جدیت در نحوه نوشتن دانش‌آموز می‌تواند بیانگر میزان تنفر دانش‌آموز از مسخره شدن توسط دیگران باشد.

دانش‌آموز دیگری به حل مشکل به صورت مصالحه‌آمیز اشاره کرده است و نوشته است: "ما همیشه با هم دوست باشیم یا اگر روزی با دوستان مشکلی پیدا کردیم خیلی زود مشکلمان را با حرف زدن حل کنیم، نه اینکه یکدیگر را بزنییم." این روش توسط دانش‌آموز به لزوم حفظ عزت نفس دو طرف اشاره دارد.

دانش‌آموز دیگری نظر خود را در زمینه اعتماد به نفس و عزت نفس به خواننده این‌گونه انتقال داده است: "معلم باید با بچه‌ها رفیق باشد ... هم از او بترسند هم با او دوست باشند و به

نظر من معلم نباید در دوست داشتن خود بین بچه‌ها تفاوت قائل شود که بچه‌ها از او ناراحت شوند... " یکی دیگر از دانش‌آموزان نیز نوشته است: "... ادب (نکات تربیتی) را به بچه‌ها بگویند و مانند پدر برای آنها دلسوزی کند و حرف‌ها و نظرات بچه‌ها را گوش بدهد و به نظرات آنها احترام بگذارد..."

البته بعضی از دانش‌آموزان به موفقیت و افزایش عزت نفس خود توجه بیشتری کردند، برای نمونه یکی از آنها ضمن تأکید بر بهره‌مندی از وسایل آموزشی نوشته است: "من دوست دارم همه وسایل آموزشی در مدرسه باشد تا بتوانیم به راحتی بهترین دانش‌آموز جهان شویم و ناممان در همه کشورهای ثبت شود." که البته این نوشته می‌تواند به نوعی به وجود انگیزه پیشرفت بالا در این دانش‌آموز باشد. **کودکان مدرسه چندپایه** از بد اخلاقی معلم گلایه‌های زیادی داشتند به خصوص دخترها که به همین علت خواستار معلم خانم بودند و بیشتر دانش‌آموزان نیز به لزوم خوش اخلاقی معلمان تأکید داشتند. در مورد دانش‌آموزان دیگر نیز نظرات مشابهی داشتند برای نمونه یکی از دانش‌آموزان نوشته است: "دوستانم مهربان، خوش اخلاق و قشنگ باشند و پسرها با هم دعوا نکنند."

جدول شماره ۴_ عامل مربوط به خصوصیات اخلاقی

مضمون اصلی	مضمون	زیرمضمون	نقل قول
عامل مربوط به خصوصیات اخلاقی	معلم باید مهربان و صبور باشد و بچه‌ها را دعوا نکند.	مهربانی	معاون نباید بچه‌ها را تهدید کند و نباید بچه‌ها را با خط-کش بزند.
	کارکنان	بازی و تعامل	معاون باید به همه بچه‌ها اهمیت بدهد و به همه اجازه دهد سر صف مجری صبحگاه باشند.
	مدرسه	زیاد با دانش‌آموزان	دوستانم نباید با هم درگیر شوند و باید سعی کنند با حرف زدن مشکل خود را حل کنند.
	دانش‌آموزان	رعایت نظافت	همه باید زباله‌ها را در سطل زباله بریزند و هر روز در زنگ آخر زیر میز خود را تمیز کنند. بچه‌ها باید همیشه موها را کوتاه کنند تا شپش در مدرسه زیاد نشود.
	رفتار منطقی		

۵. عامل مربوط به روش‌های آموزش و تدریس:

عامل مربوط به روش‌های آموزش و تدریس بر اساس پنج زیرمضمون «برنامه‌ریزی قبلی برای تدریس»، «تکرار مطالب درسی»، «دفعات آزمون»، «دشواری آزمون»، «راهنمایی دیگران در آزمون» و دو مضمون «آموزش» و «آزمون» شناسایی و مفهوم‌پردازی گردید که در ادامه با استفاده از روایت‌ها، آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

دانش‌آموزان به رفتار مدیر، معاونان و معلمان نیز توجه کردند و خواستار رفتار احترام‌آمیز آنها شدند و در کنار آن به اهمیت ذکر نکات پرورشی در صف صبحگاهی توسط مدیر (و عوامل مدرسه) نیز تأکید کردند. برای نمونه یکی از آنها نوشته است: "... مدیر، معاون و معلمان خوب باشند ... مدیر خوب باید هفته‌ای یک بار سر صف صبحگاهی درباره نظافت، تفکیک زباله و مطالب آموزشی با دانش‌آموزان حرف بزند." تعدادی از دانش‌آموزان نیز به آزادی بیشتر دانش‌آموزان از سوی مدیر و معاون اشاره کردند.

برخی از آنها نیز در مورد روش‌های تدریس معلمان، نظرات متعددی دادند که معمولاً به بیان با حوصله مطالب توسط معلمان، کنترل سرعت تدریس، استفاده از کتب کمک آموزشی یا نمونه سؤال، استفاده از امتحانات پی‌درپی گاه هفتگی که مطالب کم و فاصله بین امتحانات کم باشد و سطح‌بندی امتحانات به تناسب دانش‌آموزان اشاره کرد. البته تعدادی از دانش‌آموزان هم به جای تأکید بر امتحان بر یادگیری‌های فعال و یادگیری‌های تجربی تأکید کردند.

نشانه‌های تمایل به یادگیری‌های فعال و مشاهده‌ای و بی‌میلی به حفظ کردن مفاهیم کم‌کاربرد و محصور ماندن در فضای کلاس در نوشته‌های زیادی دیده شد؛ این موضوع مستقیماً توسط دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً دانش‌آموزی نوشته است: "اگر معلم مطالب درسی را در صورت امکان به صورت تجربی به دانش‌آموزان آموزش دهد، نتیجه بهتری کسب می‌کند" که در پژوهش‌های مختلف نیز اهمیت آن مورد تأیید قرار گرفته شده است؛ دانش‌آموز دیگری ضمن تأکید بر روش‌های فعال تدریس در جای‌جای انشا تکالیف (مشق) را کاری اضافه دانسته و نوشته است: "معلم به بچه‌ها مشق نمی‌داد... و هر دانش‌آموز یک ربات داشت که مشق و کارهای اضافه او را انجام می‌دهد" این روش‌های تدریس فعال، رغبت، علاقه و انگیزه یادگیرنده را افزایش می‌دهد؛ چرا که در این روش‌ها کلاس را از حالت خشک و معمول خارج می‌کند. (محمودی و صادقی، ۱۳۹۷).

جدول شماره ۵. عامل مربوط به روش‌های تدریس و آزمون

مضمون اصلی	مضمون	زیرمضمون	نقل قول
عامل مربوط به روش‌های تدریس و آزمون	آموزش	برنامه‌ریزی قبلی برای تدریس	معلم باید خوب درس بدهد؛ یعنی نه آنقدر سریع درس بدهد که کسی چیزی متوجه نشود و نه آنقدر آرام درس بدهد که بچه‌ها در کلاس خوابشان ببرد. اگر ما چیزی را یاد نگرفتیم او باید با صبر و حوصله دوباره تکرار کند تا ما خوب متوجه بشویم.
	آزمون	تکرار مطالب درسی	معلم باید زیاد امتحان بگیرد و امتحان بچه‌های مختلف باید با هم فرق کند. امتحان‌ها باید درس به درس باشد و هر امتحان از قسمت کمی از کتاب باشد. آزمون‌ها نه زیاد سخت و نه زیاد آسان باشند و برای بچه‌های مختلف فرق کند.
	آزمون	دفعات آزمون دشواری آزمون	

راهنمایی دیگران
در آزمون

در امتحان‌ها بچه‌ها نباید از دست یکدیگر نگاه کنند.
برای امتحان باید خود معلم در کلاس باشد تا
سؤالاتمان را از او بپرسیم.

۶. عامل مربوط به وسایل و پوشش دانش‌آموزان:

عامل مربوط به وسایل و پوشش دانش‌آموزان بر اساس چهار زیرمضمون «البسه و کفش»، «متعلقات زینتی»، «لوازم التحریر»، «وسایل متفرقه دانش‌آموزان» و دو مضمون «پوشش» و «وسایل» شناسایی و مفهوم‌پردازی گردید که در ادامه با استفاده از روایت‌ها، آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

دانش‌آموزان در جای‌جای انشای خود مطالب مختلفی در مورد پوشش و لباس‌ها گفتند، ولی اگر بخواهیم برآیندی از آنها را در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم (به‌جز تعدادی محدود) تمام دانش‌آموزان خواهان لباس‌ها و وسایل (کیف، کفش و لوازم تحریر) یکسان در مدرسه بودند و دوست داشتند یک‌دست باشند. البته تفاوت زیادی بین لباس‌های پیشنهادی بچه‌ها بود؛ اگرچه همه خواهان لباس‌های راحت بودند، ولی نوعی از رسمیت در آن دیده می‌شد که به خاطر اجتماعی بودن محیط مدرسه است. برای نمونه دانش‌آموزی نوشته است: "...دوست دارم در مدرسه لباس مهمانی بپوشم ...". که البته این موضوع نیازمند ممنوعیت ورود مردان به مدرسه است که در انشای دخترها نیز نوشته شده بود البته بچه‌ها به همین‌ها بسنده نکردند و توضیحات کامل‌تری نیز در این زمینه داده‌اند. مثلاً دختری در مورد لباس فرم داخل مدرسه (نه خارج از آن) با تأکید بر نبودن مردها در مدرسه نوشته بود: "...وقتی رفتم داخل مدرسه لباس فرم بچه‌ها بلوز گشاد بود و شلوار آنها جین مثل شلوارک بود و مقنعه نداشتند و بلوز و شلوارک آنها با ترکیب رنگ قرمز طرح‌دار بود ...". که البته اثر هججه‌های فرهنگی نیز در این نوشته مشاهده می‌شود. دانش‌آموزان در مدرسه چندپایه در این مورد چیز زیادی نگفتند و به ذکر اینکه دانش‌آموزان باید آراسته و منظم باشند بسنده کردند.

جدول شماره ۶_ عامل مربوط به پوشش و وسایل دانش‌آموزان

مضمون اصلی	مضمون	زیرمضمون	نقل قول
عامل مربوط به پوشش و وسایل دانش‌آموزان	پوشش	البسه و کفش	کفش و لباس همه بچه‌ها باید یک‌رنگ و یک-شکل باشد.
		متعلقات زینتی	لباس‌ها باید خوش‌رنگ، زیبا و راحت باشد.
		لوازم التحریر	لباس فرم مدرسه باید یک پاپیون روی مقنعه داشته باشد و طرح خوبی روی آن داشته باشد. هر کلاس باید وسایل اضافه داشته باشد تا اگر کسی چیزی را فراموش کرد از آنها استفاده کند.

وسایل متفرقه دانش‌آموزان
همه باید صابون، دستمال کاغذی و شانه داشته باشند.



نمودار ۱. عوامل و نشانه‌های شناسایی شده برای مدرسه مطلوب از منظر کودکان

بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت کودکان مدارس ابتدایی در شکل‌دهی به محیط آموزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا «منابع اطراف هر انسان حکم آموزش‌دهنده را دارند، خواه آگاهانه و خواه ناخودآگاه در حال آموزش دادن هستند» (منادی، ۱۳۹۷). «محیط فیزیکی به سبب ساختار خود می‌تواند تعاملات و در پی آن فرایند یادگیری را تقویت و یا تضعیف نماید» (خان‌محمدی و یاری، ۱۳۹۴). قبل از اینکه فرد وارد محیط شود به بدنه‌های معماری شده آن نگاه نموده و از طریق دیدن، جذب کالبد مورد نظر می‌شود (بیات و ارجمند، ۱۳۹۴)، که این موضوع نیز به اهمیت نما، رنگ و طراحی فضای فیزیکی اشاره دارد. از سوی دیگر، «در چند دهه اخیر به جای تأکید و تمرکز بر آراستگی قالب و پوسته خارجی محیط آموزشی، به ارتقای کیفیت فضا و طراحی

داخلی آن پرداخته شده است» (شریف خواجه‌پاشا، مجرد و ثمین شریفی، ۱۳۹۵). همین تأکیدها بر طراحی و معماری فضای آموزشی، به بازاندیشی بر اهمیت طراحی مشارکتی انجامیده است (اشرفی، ۱۳۹۴). سازمان بهداشت جهانی نیز تصدیق می‌کند که مشارکت معنادار فرد در یک مجموعه او را توانمندتر می‌سازد (سیمپسون^۱، آدامز^۲، براک^۳ و کین^۴، ۲۰۱۹).

اگر چه محیط بیرونی مدرسه و فضای آموزشی به علت تأثیرگذاری اولیه در جلب نظر مخاطبان از اهمیت برخوردار است، ولی محیط داخلی مدارس به علت حضور بیشتر اوقات دانش‌آموزان در داخل این مکان و تأثیر پذیرفتن مداوم از این فضا، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. «در چند دهه اخیر به اهمیت فضا و طراحی داخلی محیط آموزشی به جای تأکید بر فرم و پوسته خارجی آن پرداخته شده است» (شریف خواجه‌پاشا، مجرد و ثمین شریفی، ۱۳۹۵). تحلیل نوشتارهای دانش‌آموزان نیز نشان داد که بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان بر اهمیت و اثرگذاری فضای درونی مدرسه و ویژگی‌های آن تأکید دارند.

از سوی دیگر نیز گداهای موجود در قسمت‌های: «تجهیزات، جنسیت دانش‌آموزان و عوامل، خصوصیات اخلاقی، وسایل و پوشش دانش‌آموزان و روش‌های آموزش و تدریس» نشانگر وجود خلأ در هر یک از این زمینه‌ها و فقدان وجود پژوهش‌های کافی در هر یک از این زمینه‌ها بود که در این پژوهش تلاش شد تا به بخشی از این خلأها به‌ویژه از منظر روان‌شناختی و علوم تربیتی پرداخته شود تا چراغ راهی برای مطالعات پژوهشگران بعدی باشد. تلاش شد تا با گردآوری، دسته‌بندی و توصیف نظرات دانش‌آموزان، بستری را برای کمک به پژوهشگران، برنامه‌ریزان و مدیران و سازندگان محیط‌های آموزشی که به هر دلیلی، امکان یا زمان نظرسنجی از کودکان را ندارند، ارائه دهد و بتواند گامی هرچند ناچیز، در راستای هماهنگی محیط مدارس ابتدایی با نظرات دانش‌آموزان فراهم نماید.

به‌طور کلی نتایج حاکی از آن بود که کودکان در بیان آرزوهایشان در مورد مدرسه مطلوب، به مدرسه‌ای که از نظر فیزیکی بزرگ و دارای سالن برای ورزش‌های گوناگون باشد، اشاره کردند و خواستار فضای کافی برای بازی بودند که در پژوهش‌های دیگر نیز، این موضوع به تأیید رسیده است. این موضوع در مطالعه (لمب^۵، ۲۰۱۸) و تأکیدی که بر «لزوم وجود مدارس افقی (حیاطدار) به جای ساختمان‌های عمودی (آپارتمانی) شده است، دیده می‌شود» (لمب، ۲۰۱۸). بعضی از شرکت‌کنندگان نیز خواستار وسایل ورزشی سالم در مدرسه به تعداد دانش‌آموزان شدند که این مورد در دختران بیشتر قابل مشاهده بود؛ چون به نظر می‌رسد هنوز در مدارس، به‌رغم

1. Simpson
2. Adams
3. Bruck
4. keen
5. Lamb

وجود شعارهای برابری جنسیتی، به پسران در استفاده از فضا و امکانات مدرسه بیشتر توجه می‌شود. این مورد هم در مدارس عادی و هم چندپایه قابل مشاهده بود. دانش‌آموزان مورد مطالعه، به وجود آزمایشگاه و امکانات آزمایشگاهی، کتابخانه‌هایی با انواع کتاب‌ها، بوفه، کافی شاپ، سرویس‌های بهداشتی سالم و تمیز با آفتابه و قفل سالم و وجود مایع دستشویی در سرویس بهداشتی تأکید کردند که این خواسته‌ها در هر چهار مدرسه قابل مشاهده بود.

همچنین بر یادگیری دروس با کمک بازی، سرگرمی، فیلم و کارگروهی نیز اشاره شده است که «اگر چه روش یادگیری مشارکتی برای گروه‌های سنی مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما آنها در مدارس ابتدایی بسیار محبوب هستند» (اسلاوین^۱، ۲۰۱۵) از سوی دیگر «استفاده از سیستم‌های چند رسانه‌ای در آموزش و پرورش، اهمیت آن را به دلیل تأثیر مثبتی که بر روند آموزش و یادگیری مورد تأیید قرار داده، آشکار شده است» (شاه^۲ و خان^۳، ۲۰۱۵). این مورد با توجه به پژوهش‌های قبلی زیاد دور از انتظار نبود، ولی در مدرسه چندپایه سطح خواسته‌ها به طور قابل توجهی پایین‌تر از دیگر مدارس بود که از نظر نگارندگان به نوعی به محرومیت آنها و قناعت کردن به حداقل‌ها اشاره دارد.

شاید بتوان از انشاهای دانش‌آموزان این‌گونه استنباط کرد که در ساخت و طراحی فضای فیزیکی توجه زیادی به خواسته‌های دانش‌آموزان نمی‌شود و در مدارس فقط یک ساختمان با چند کلاس برای تدریس و حیاطی برای گذراندن زنگ تفریح ساخته شده است و در ساختمان‌ها کتابخانه و آزمایشگاه یا وجود ندارد یا در صورت وجود هم معمولاً نادیده گرفته می‌شوند؛ در زنگ ورزش این حیاط به‌خصوص در مدارس مختلط فقط پاسخگویی یک گروه جنسی (معمولاً پسرها) است و جنس دیگر مجبور به تماشا یا بازی در فضای پرت مدرسه هستند که گاه گل‌آلود و نامناسب است و فضای ورزشی مناسب، استفاده از آزمایشگاه، کتابخانه و کلاسی مناسب که از امکانات اولیه مدارس به حساب می‌آیند، گویی به آرزوی دانش‌آموزان تبدیل شده است. تقریباً همه دانش‌آموزانی که در مورد جنسیت دانش‌آموزان نوشته بودند به تک‌جنسیتی بودن مدرسه اشاره کردند. البته تعداد انگشت‌شماری از پسرها نظرات متفاوتی ارائه نمودند و در مورد معلمان هم نظرات مشابهی وجود داشت. اگرچه تعدادی از دانش‌آموزان اظهار کردند که با وجود هر معلمی باید دانش‌آموز تلاش کند و جنسیت معلم زیاد مهم نیست، ولی بچه‌ها به‌خصوص پایه‌های بالاتر بیشتر خواهان معلم (و عوامل اجرایی) هم‌جنس با خودشان بودند. البته باز هم

تعدادی از پسرها خواهان معلمان خانم بودند و در پژوهش مشخص بود که تمایل به داشتن معلمان زن در مجموع بیش از مردان است.

به نظر می‌آید هدف دانش‌آموزان از بیان این مسئله که افراد غیر همجنس در مدرسه حضور نیابند، به راحت بودن دانش‌آموزان در مدرسه از نظر پوشش اشاره دارد؛ با این حال دانش‌آموزان در انشایشان نسبت به معلم غیر همجنس نرمش بیشتری نشان می‌دهند، ولی نسبت به همسالان غیر همجنس به خصوص در پایه‌های بالاتر به سختی جبهه می‌گیرند. به نظر می‌رسد نوعی بیگانگی و تفرق نسبت به جنس مخالف در تعدادی از دانش‌آموزان دیده می‌شود که ریشه در آموزش نامناسب از یک سو و دوگانگی بین جامعه و مدرسه از سوی دیگر دارد.

دانش‌آموزان زیادی به نکات اخلاقی هم اشاره کردند که از آن میان بیزاری از مسخره شدن توسط دیگران به خصوص معلم، صبر و حوصله معم در تدریس و (در صورت نیاز) تکرار درس با خوش‌رویی، تفاوت قائل نشدن هنگام محبت به دانش‌آموزان و حذف تنبیه بدنی بیش از همه مشاهده شده است؛ البته همین کودکان در زمان آزار و تمسخر توسط دیگران، خواستار تنبیه بدنی فرد خاطی بودند؛ اگرچه «دانشمندان زیادی برای حمایت از پیمان‌نامه حقوقی کودک، بر ممنوعیت هرگونه بدرفتاری و خشونت علیه کودکان تأکید می‌نمایند» (مقدادی، ۱۳۸۷) این تنبیه‌های بدنی خواسته بیشتر دانش‌آموزان بود که از نظر نگارندگان، دانش‌آموزان برای جلوگیری از انتشار این تمسخرها توسط دانش‌آموز خاطی و برچسب خوردن به برخی از دانش‌آموزان خواستار این تنبیه‌ها شدند. در مدرسه مختلط و چندپایه نیز به خشونت بین دانش‌آموزان پسر اشاره می‌کردند و بعضی از آنها نیز به اینکه باید مشکلات با سخن گفتن حل شود توجه می‌دادند. دانش‌آموزان مدرسه چندپایه در مورد لباس دانش‌آموزان فقط به آراستگی آن اشاره می‌کردند، ولی در سه مدرسه دیگر به لزوم وجود لباس فرم اشاره کردند. لباس فرم‌های پیشنهادی آنها معمولاً با لباس فرم‌های امروزی مدارس ایران تفاوت داشت. دختران معمولاً لباس‌های آزاد و راحت که مناسب جمع‌های خودمانی یا مهمانی بود پیشنهاد می‌دادند و جنبه‌های غرب‌گرایانه در این پیشنهادها دیده می‌شد. از نظر نگارندگان، این موضوع نشانه‌ای از اثرگذاری آموزه‌های غربی و ضعف عملکرد نهادهای آموزشی و فرهنگی داخلی به‌شمار می‌رود که در مدارس (به-عنوان یک نهاد آموزشی- فرهنگی) نیز دانش‌آموزان به نمادهای دیگر جوامع تمایل بیشتری دارند؛ بعضی از دانش‌آموزان به وجود کیف، کفش، نوشت‌افزار همسان بین دانش‌آموزان اشاره داشتند که به نوعی تمایل به تساوی را در بین دانش‌آموزان نشان می‌دهد و گاهی نیز ناشی از احتیاج و فقر برخی از دانش‌آموزان و تمایل به هم سطح بودن با دیگران بوده است.

در پایان و مبتنی بر شش عامل عمده تأثیرگذار بر بهبود فضای مدارس و محیط‌های آموزشی به‌ویژه در دوره‌های ابتدایی پیشنهاد می‌شود تا مبتنی بر نشانه‌ها و ملاک‌های شناسایی شده، ابزاری برای اندازه‌گیری کیفیت دانش‌آموزمحور بودن فضا و جو مدارس ابتدایی تدوین شود.

همچنین سهم این عوامل در تأمین خواسته‌های دانش‌آموزی و ارتقای فضای مدرسه برآورد گردد. در حیطه ملزومات و فضای فیزیکی در ایجاد فضای مطلوب، ضرورت دارد تا ملاک‌ها و نشانگرهای مورد نظر کودکان برای نشاط‌افزایی محیطی به مدیران ارشد معرفی شود تا زمینه ارتقای شناخت و به‌ویژه چانه‌زنی برای برآورد و تأمین بودجه‌های عمرانی و بهبود فضای مدرسه را فراهم نماید. از سویی ملاک‌ها و نشانه‌های شناسایی شده در اختیار معماران و مهندسان سازنده مدارس جدیدی که در دست ساخت و در حال به‌روزرسانی است، قرار گیرد و تا حد امکان، در ایجاد و ارتقای فضای دانش‌آموزمحوری در مدرسه اقدام گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود در مطالعه‌ای پیمایشی، میزان توجه به هر یک از نشانه‌ها و عوامل شناسایی شده در مدارس ابتدایی مورد بررسی قرار گیرد و اقدامات اصلاحی صورت پذیرد.

در خصوص ایجاد اتاق امن به همراه خط تلفن مستقیم به مراکز آتش‌نشانی، آمبولانس و پلیس در مدرسه - که پیشنهاد یکی از دانش‌آموزان در این پژوهش بوده است - ضرورت بررسی بیشتر توسط پژوهشگران دیده می‌شود. همان‌طور که می‌دانید مدارس و مساجد در زمان زلزله، جنگ و حوادث غیر مترقبه محل اجتماع مردم بوده است و وجود چنین اتاقی می‌تواند به‌رغم رفع نیاز دانش‌آموزان در شرایط خاص، برای عموم مردم نیز در شرایط بحرانی مناسب باشد و کمبود بررسی‌هایی در زمینه اهمیت، چالش‌ها، فرصت‌ها، زمینه‌ها و راه‌های ایجاد چنین اتاقی در مدارس حس می‌شود.

با توجه به نظرات متفاوت دانش‌آموزان دختر و پسر در فضای مطلوب آموزشی، بهتر است تا آنجا که رعایت موارد مطرح شده با قوانین و شرایط آموزشی همسو و امکان‌پذیر است، به مؤلفه‌های شناسایی شده در ایجاد، تخصیص یا بهینه‌سازی اقدامات در مدارس دخترانه و پسرانه ابتدایی توجه شود و نشانه‌ها در اختیار مدیران مهدکودک‌ها قرار گیرد تا در بهینه‌سازی فضای پرورشی مهدکودک‌ها مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر و با توجه به اهمیت توجه به عامل مربوط به تجهیزات در سلامت جسمی و ایجاد فضای مطلوب برای کودکان در مدرسه و دیگر مکان‌های آموزشی نظیر مهدکودک‌ها، پیشنهاد می‌شود ملاک‌ها و نشانه‌های شناسایی شده در اختیار تولیدکنندگان تجهیزات مدارس و کارپردازان آموزش و پرورش قرار گیرد و با هدف متناسب‌سازی و دانش‌آموزمحور کردن تجهیزات مدارس، تا حد امکان، در ایجاد و ارتقای تجهیزات خریداری شده برای مدارس ابتدایی اقدام گردد و ملاک‌ها و نشانگرهای مورد نظر کودکان برای تجهیزات مورد نیاز در مدرسه، در اختیار مدیران ارشد قرار گیرد تا زمینه ارتقای شناخت و به‌ویژه چانه‌زنی برای برآورد و تأمین بودجه‌های خرید تجهیزات و بهبود لوازم مدرسه را فراهم نماید.

نشانه‌ها و ملاک‌های شناسایی شده در زمینه روش‌های تدریس می‌تواند در دوره‌های ضمن خدمت معلمان مورد توجه قرار گرفته و راهبردهای ممکن و مؤثر در توجه به ملاک‌های شناسایی شده، بررسی شود. همچنین در مطالعه‌ای پیمایشی، میزان توجه به هر یک از نشانه‌های شناسایی در فرایند یاددهی و یادگیری در مدارس ابتدایی مورد بررسی قرار گرفته و مبتنی بر نقاط قابل بهبود، اقدامات اصلاحی در دستور کار قرار گیرد.

با توجه به اهمیت توجه به کیفیت وسایل و پوشش دانش‌آموزان در سلامت جسمی، روانی و ایجاد فضای مطلوب برای کودکان در مدرسه و دیگر مکان‌های آموزشی مانند مهدکودک‌ها، می‌توان ملاک‌ها و نشانه‌های شناسایی شده را در اختیار تولیدکنندگان وسایل و ملزومات پوششی دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی و همچنین کارپردازان آموزش و پرورش قرار داد و با هدف متناسب‌سازی و دانش‌آموزمحور کردن وسایل تهیه شده برای مدارس ابتدایی، تا حد امکان، در ایجاد و ارتقای کیفیت وسایل خریداری شده برای دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی اقدام گردد و ملاک‌ها و نشانه‌های مورد نظر کودکان برای کیفیت پوشش دانش‌آموزان در مدرسه و فضای کلاسی، در اختیار مدیران مدارس قرار بگیرد تا زمینه تحقق فضای بهینه برای دانش‌آموزان و ارتقای نشاط و پویایی در مدرسه فراهم آید.

بر اساس یافته‌های عامل مرتبط با خصوصیات اخلاقی مورد نظر دانش‌آموزان که بر چهار محور «مهربانی»، «بازی و تعامل زیاد با دانش‌آموزان»، «رفتار منطقی» و «رعایت نظافت» استوار شد، پیشنهاد می‌شود در کلاس‌های ضمن خدمت کارکنان مدارس، چگونگی بهبود فضای آموزشی مبتنی بر رعایت این مؤلفه‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته و اقدامات اصلاحی صورت پذیرد.

در نهایت، با توجه به رویکرد تفسیرگرایانه این مطالعه و کل‌نگری در شناسایی عوامل مرتبط با بهینه‌سازی و بهبود فضای مدرسه، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده با محدود کردن هر یک از عوامل شش‌گانه شناسایی شده، به‌گونه‌ای دقیق‌تر هر یک از ابعاد مورد بررسی قرار گرفته و در سطحی وسیع‌تر به رصد وضعیت مدارس، به‌ویژه در مدارس ابتدایی و مهدکودک‌ها پرداخته شود. روشن است که شناسایی و بررسی راهکارهای اصلاح شرایط موجود، نیازمند پژوهش‌های بیشتری است. امید است یافته‌های این مطالعه، زمینه‌ای را برای بهبود فضای مدارس، مهدکودک‌ها و دیگر محیط‌های آموزشی و حرکت در راستای دانش‌آموزمحور کردن مدارس و بانشاط کردن فضاهای آموزشی فراهم نماید.

فهرست منابع

Ahmadbeigi, Sh. (2020). Providing a Model for Promoting the Role of School in Creating Social Capital of Elementary School Students. *Journal of*



- New Approaches in Educational Administration*. 10 (4), 148_172. (Text in persian)
- Alnajdawi, A. (2019). Exploring Jordanian Children's Perceptions of the Characteristics of an Ideal School and Learning Environment. *Journal of Social Studies Education Research*, 10(4), 201_225.
- Alizadeh Miandoab, A. (2017). Solutions to Flexibility in Children's Educational Spaces, *Fourth International Conference on Sustainable Architecture and Urban Development _ Dubai & Masdar*, Dubai, Islamic Azad University UAE Branch. (Text in persian)
- Ashrafi, R. (2015). Investigating different aspects of collaborative design, with particular regard to school design participation, *International Conference on Civil, Architecture and Urban Infrastructure*, Tabriz: Permanent Secretariat of the Conference. (Text in persian)
- Azizkhani, F., & Hosseini, S.B. (2018). Examining color in the educational environment and its impact on learning, *2nd National Conference on Civil Engineering, Architecture with Emphasis on Employment in the Construction Industry*, Tehran: Permanent Secretariat of the Conference. (Text in persian)
- Banerjee, P. A. (2016). A systematic review of factors linked to poor academic performance of disadvantaged students in science and math's in schools. *Cogent Education*. 3(1), 1_17.
- Bayat, A., & Arjmand, S. (2015). Investigating approaches to educational and cultural spaces in architectural design, *International Conference on Modern Research in Civil Engineering, Architecture and Urban Development*, Tehran: Idea Pardazan Managers Company of Ilya Capital. (Text in persian)
- Bazargan Harandi, A. (2016). *Introduction to Qualitative and Mixed Research Methods in Conventional Approaches in Behavioral Sciences* (Fifth Edition.) Tehran: Didar. (Text in persian)
- Caetano, A., Freire, I., & Machado, E. (2020). Student Voice and Participation in Intercultural Education. *Journal of New Approaches in Educational Research (NAER Journal)*, 9(1), 57_73.
- Clement, J. (2019). Spatially democratic pedagogy: Children's design and co_creation of classroom space. *International Journal of Early Childhood*, 51(3), 373_387.
- Darvar, Z., Ghaderi, A., & Hamidi, Z. (2015). The impact of physical space in schools on fostering creativity in elementary students, *The third national conference of the school tomorrow*, Chalus: Sama Chalus Technical and Vocational School. (Text in persian)
- Dehghan Sanj, N., & Reihani Arani, M. (2017). Investigating the quality of physical space to promote the development of a child's creative behavior, *The 5th International Congress of Civil, Architecture and Urban Development*, Tehran: Permanent Secretariat of the Conference. (Text in persian)
- Ehsani, Z., Pajouhan Far, M., & Ebrahimi, A. (2016). Investigating the ways of user participation in designing educational spaces, *International Conference on Civil, Architecture and Urban Landscape*, Turkey:

- University of Istanbul, Permanent Conference Secretariat, University of Istanbul. (Text in persian)
- Erkan, N. S., Tarman, I., Sanli, Z. S., Kosan, Y., & Ömriuzun, I. (2018). First Grade Students' Perceptions of Their Preschool and Elementary School Experience. *International Journal of Progressive Education*. 14(5), 1_13.
- Fathi, H., Enayati, S., & Fathi, S. (2017). The Effect of Physical Space on School Achievement in Elementary School Students (Case Study: Esfarain Primary Schools), *Third Conference on Psychology and Behavioral Sciences*, Tehran: Farzanegan Iranian Knowledge Development Company. (Text in persian)
- Habibi, S. M., Ezzatian, Sh., & Mohaghegh Nasab, E. (2018). Teachings of children's participation in the process of designing a child_friendly urban space (Case study: Sedeh Lenjan city), *urban studies*. 8 (29),111_120.
<https://dx.doi.org/https://www.doi.org/10.34785/J011.2019.140>. (Text in persian)
- Hamze Nejadi, M., & Khazaei, F. (2018). Evaluating the learning environment of interest of primary school students, *Conference on Civil, Architecture and Urban Development of the Islamic World Countries*, Tabriz: Shahid Madani University of Azerbaijan _ Tabriz Municipality of Applied Science and Technology. (Text in persian)
- Hennink, M. M., Kaiser, B. N., & Marconi V. C. (2016). Code saturation versus meaning saturation: How many interviews are enough? *Qualitative Health Research*, 27(4), 1_18.
doi:10.1177/1049732316665344
- Isfahani Abkara, H., & Ghiaie, M. M. (2018). The role of flexibility in the design and architecture of educational spaces for children, *Conference on Civil, Architecture and Urban Development of the Islamic World Countries*, Tabriz: Tabriz University _ Shahid Madani University of Azerbaijan _ Tabriz Municipality of Applied Science and Technology. (Text in persian)
- Jafari, A. (2017). Flexibility in designing educational spaces, *International Conference on Contemporary Iranian Civil, Architecture and Urban Development*, Tehran: Oswe University _ Tehran _ Shahid Beheshti University. (Text in persian)
- Jamshidi, F., & Malek, N. (2016). Investigating the impact of social spaces on educational spaces, *6th International Conference on Sustainable Development and Urban Development*, Esfahan: Daneshgahan Institute of Higher Education. (Text in persian)
- Khalui, M., & Khazaei, F. (2016). Understanding the characteristics of the school of interest for girls' elementary school students, *International Conference on Civil, Architecture and Urban Landscape*, Turkey: University of Istanbul, Permanent Secretariat Conference: University of Istanbul. (Text in persian)
- Khanmohammadi, M., & Yari, N. (2015). The role of environment (natural and artificial) in the educational process of students, *The first congress of modern horizons in the field of civil engineering, architecture, culture and urban management of Iran*, Tehran: Association for



- Development and Promotion of Fundamental Sciences and Technologies. (Text in persian)
- Kilic, C., & Sancar_Tokmak, H. (2017). Digital story_based problem-solving applications: Preservice primary teachers' experiences and future integration plans. *Australian Journal of Teacher Education (Online)*, 42(12), 21_35.
- Lamb, R. (2018). Children need horizontal school space, not vertical schools. *Planning News*, 44(10), 20_22.
- Lundqvist, J., Westling Allodi, M., & Siljehag, E. (2019). Values and needs of children with and without special educational needs in early school years: A study of young children's views on what matters to them. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 63(6), 951_967.
- Mahmoudi, F., & Sadeghi, F. (2018). Meta_ Analysis of Active Teaching Methods on Student's Academic Achievement, *Studies in Learning & Instruction*, 10 (1), 24_54. (Text in persian)
- Mahmoudi, M. (2018). The role of human capital in the realization of the resistive economy, *First National Conference on Management and Economics with Resistance Economics Approach*, Mashhad: Payame Noor University of Khorasan Razavi. (Text in persian)
- Mahruzadeh, T., & Jalilinia, F. (2016). Explain the phenomenological approach in the curriculum. *Quarterly Journal of New Thoughts on Education*, 12(4), 7_26. (Text in persian)
- Meghdadi, M. M. (2018). Corporal punishment, upbringing or violence. *Human Rights*, 2 (4), 9_26. (Text in persian)
- Monadi, M. (2018). The Role and Formation of Great Patterns in the Life of "I". *New educational ideas*, 14 (2), 105_138. (Text in persian)
- Morrow, R., Rodriguez, A., & King, N. (2015). Colaizzi's descriptive phenomenological method. *The Psychologist*, 28(8), 643_644.
- Piravi Vanak, M., (2020). Phenomenology, "way" of thinking and research, *Philosophical Investigations*. 13 (29), 127_144. (Text in persian)
- Pirhayati, S., Salehi, K., Farzad, V., Moghadamzadeh, A., & Hakimzadeh, R. (2020). Representation of factors, criteria and indicators of effective primary schools: a qualitative study, *Journal of School administration*. 8 (1), 162_190. (Text in persian)
- Pirhayati, S., Salehi, K., Farzad, V., Moghadamzadeh, A., & Hakimzadeh, R. (2019). Systematic Review of Effective Factors in Assessing Effective primary Schools. *Research in School and Virtual Learning*, 7 (25), 47_58. (Text in persian)
- Rahmani Zahed, F., Hashemi, Z., & Naghsh, Z. (2016). The causal modeling of creativity: The role of teacher_student interaction styles and basic psychological needs. *Quarterly Journal of New Thoughts on Education*. 14 (1), 31_54. (Text in persian)
- Saadati Panah, K., & Gholizadeh, R. (2015). The effect of physical environment of educational space on children's creativity development, *The first annual international conference on civil engineering, architecture and urban planning*, Shiraz: Kharazmi Institute of Science and Technology. (Text in persian)

- Sadeghinia, Z., Salehi, K., & Moghaddamzadeh, A. (2018). Phenomenological Approach in Identifying Effective Factors in Performance Evaluation of Primary School principals. *Journal of School administration*, 6 (2): 78_99. (Text in persian)
- Salehi, K., Bazargan, A., Sadeghi, N., & Shokoohi_Yekta, M. (2015). Representing the Teachers' Perceptions and Lived Experiences of the Possible Damages for Implementing the Descriptive Evaluation Scheme in Primary Schools. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 5(9), 59_99. (Text in persian)
- Saeedi, K., Samin Sharifi, E., & Babaei, A. (2018). Design pattern, educational spaces, *6th national conference on architecture and civil engineering*, Tehran: Millennium Idea Development International Campus. (Text in persian)
- Sampermans, D., Isac, M. M., & Claes, E. (2018). Can schools engage students? Multiple perspectives, *multidimensional school climate research in england and ireland. JSSE_Journal of Social Science Education*. 17(1): 13_28.
- Shah, I., & Khan, M. (2015). Impact of multimedia_aided teaching on students' academic achievement and attitude at elementary level. *US_China Education Review A*, 5(5), 349_360.
- Shahbazyan Khonig, A., Samimi, Z., & Habibi Kaleybar, V. (2018). Discrimination of Students with High and Low Academic vitality based on Academic optimism and Goal orientation. *Quarterly Journal of New Thoughts on Education*, 14 (1): 247_267. (Text in persian)
- Sharif khaje pasha, S., Mojarrad, N., & Samin sharifi, A. (2016). Design pattern of schools and creative educational spaces, *Second International Conference on Architecture, Civil and Urban Development at the Beginning of the Third Millennium*, Tehran: Anabaft Consortium of Alborz Association of Architecture and Urban Planning, Society of Urban Design Engineers, Banashahr Institute of Painter _ Solvi Nasr Arts and Culture Institute. (Text in persian)
- Shaterian, R. (2015). *Design and architecture of educational spaces*, Tehran: Simaye Danesh. (Text in persian)
- Sheu, P. H. (2017). Examining the relationship of motivation, attitude, anxiety and achievement in English learning among elementary school students. *International Journal of Language and Literature*, 5(2), 174_184.
- Simpson, K., Adams, D., Bruck, S., & Keen, D. (2019). Investigating the participation of children on the autism spectrum across home, school, and community: A longitudinal study. *Child: care, health and development*.
- Slavin, R. E. (2015). Cooperative learning in elementary schools. *Education 3_13 _ International Journal of Primary, Elementary and Early Years Education*. 43(1), 5_14.
<https://doi.org/10.1080/03004279.2015.963370>
- Sulak, Tracey. N. (2017). School climate: the controllable and the uncontrollable. *Educational Studies*, 44 (3), 279_294.

- Ucus, S., & Acar, I. H. (2019). Exploring the perceptions of student teachers about 'creative school' in early childhood education. *Early Child Development and Care, 189*(2), 191_206.
- Zakeri, S. M. H. (2015). Utilizing user feedback in designing the physical form of educational spaces, *National Conference on Educational Architecture*, Tehran: ISBN 13 Institute of Applied Science Education, ISBN. (Text in persian)



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>)